

حاج رضوان، فاتحی که
خود را نشان نمی داد

صفحه ۵

فلسطین در حنجره دانشجو

صفحه ۱۱

دو، پستاد دانشجو، هفته‌نامه

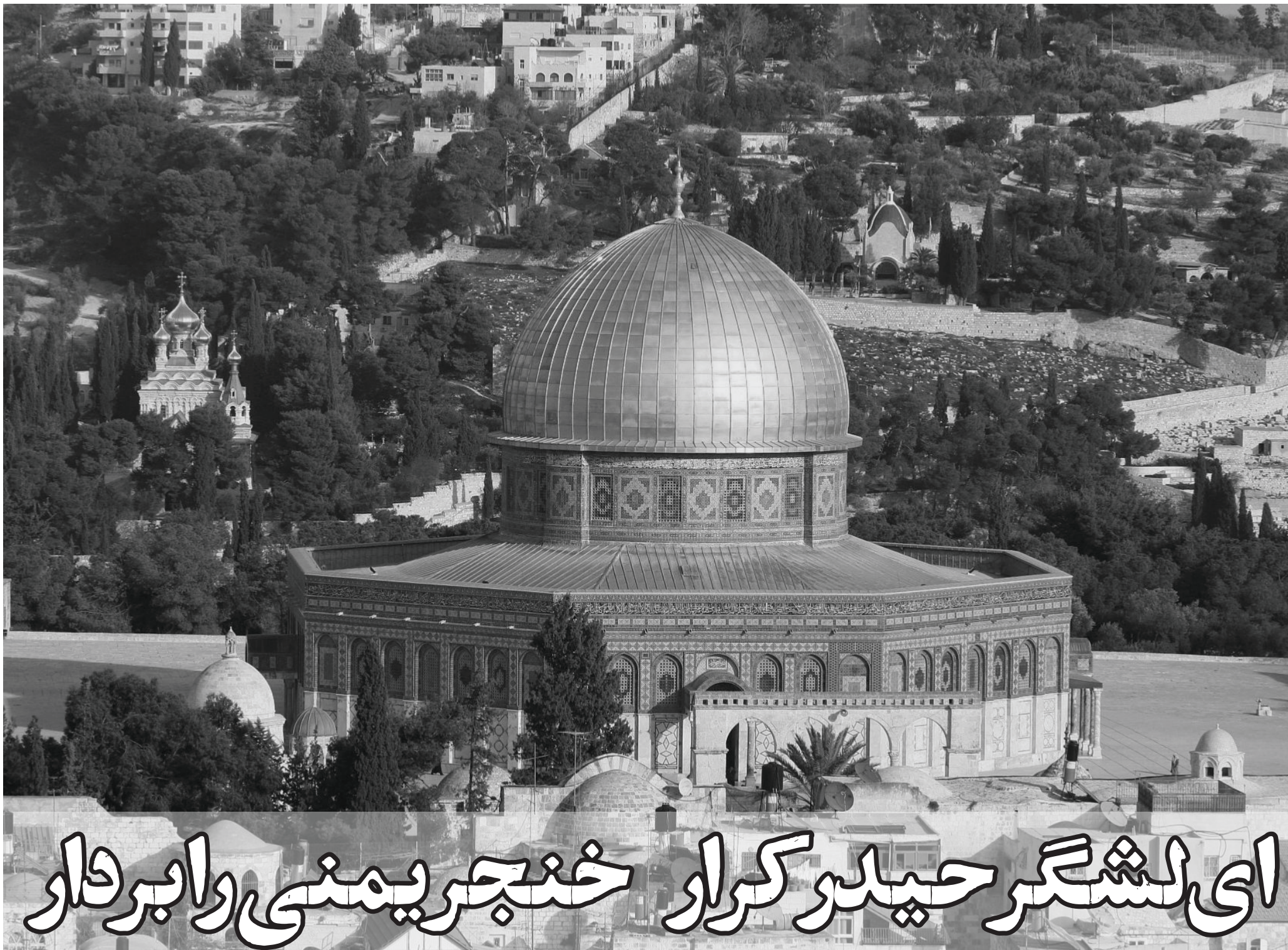
در هاله‌ای از غبار

صفحه ۳

طلیعه‌نکبت

صفحه ۱۰

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی / مدیر مسئول: مهدی خطیب‌دماوندی / تحت نظر شورای سردبیری / شماره هشتم / خرداد ماه ۱۳۹۹



طلیعه‌نور

سید محمدعلی باقری
کارشناسی حقوق

اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ، روزهایی دشوار برای مردمی بود که هدفشان را مبارزه برای آزادسازی سرزمین فلسطین از چنگ رژیم صهیونیستی بنا نهاده بودند. روزهایی که لحظه به لحظه آن با خبرهای ناگوار از جمله زندانی شدن مبارزان و سیاست‌های صلح طلبانه و ذلیلانه توسط تعدادی از بزرگان گروه های فلسطینی همراه بود و موجبات ایجاد نوعی ناامیدی را در میان مبارزان فراهم می کرد. روزهایی که می توان از آن با عنوان روزهای قدرت رژیم صهیونیستی و تسلط آنها بر جو موجود میان گروه های فلسطینی یاد کرد. اما در همین روزهای سخت خبرهایی به گوش می رسید که برای تعدادی از مبارزان پرسابقه و جوان عجیب به نظر می رسید. خبرهایی از ایران که حاکی از انقلابی اسلامی به رهبری فردی به نام آیت الله خمینی بود که در شعارهای این انقلاب ، اصولی وجود داشت که قضایا و حوادث اسرائیل و فلسطین را نیز در برمی گرفت ؛ اصولی که برپایه عدم ظلم پذیری از ظالم و دفاع از مظلومان در سراسر جهان

شکل گرفته بود و بر پایه اسلامی و عقیدتی استوار شده بود . در این بین دو مورد عمده نظر مبارزان فلسطینی را به انقلاب اسلامی جلب کرد ، یکی از آنها عبارت بود از اینکه این اتفاقات در کشوری رخ میداد که قبلاً سابقه دفاع از رژیم صهیونیستی و عدم تبعیت از تحریم های همه جانبه اعراب برای محدود کردن اسرائیل را در کارنامه خود داشت و حالا ممکن بود با پیروزی انقلاب سیاست دیگری را در پیش بگیرد و دیگری وجود اصولی که مبنای آنها اسلامی بود و سعی داشت تا با گسترش دامنه فعالیت های اسلامی به مبارزه همه جانبه با کفر و ظلم بپردازد . با توجه به همین مسائل و اتفاقاتی که در میان گروه های فلسطینی افتاده بود عده ای از این مبارزان به این فکر افتادند که در چهارچوب های موجود مبارزه خود را تغییر ایجاد نموده و اصلاحاتی در مبانی آن به وجود آورند . به عنوان مثال در آن هنگام از جمله اصولی که در میان تمام گروه های مبارز مشاهده می شد توجه ویژه این گروه ها به مسائلی همچون مسائل نژادی و ارتباط با قدرت های جهانی و وابستگی به آنها بود که از جمله آنها این بود که در آن زمان گروههایی وجود داشتند که به شکل بسیار گسترده ای با شوروی و تفکر کمونیستی و مارکسیستی ارتباط داشته و گاهی

به پیاده کردن به سیاست های آنان در منطقه به ازای دریافت سلاح و حمایت از خودشان در مراحل حساس می پرداختند یا گروه های وجود داشتند که مبارزه را صرفاً به دلیل نقض شدن حقوق اعراب بر خود واجب می دانستند و از نظر فکری و عقیدتی با اسرائیلی ها به منازعه می پرداختند. در همین میان مبارزانی پر تجربه با استفاده از نیروی جوانان دغدغه مند شروع به اصلاح چنین مبانی و تفکراتی کردند. در حین همین اصلاحات بود که خبر رسید انقلاب اسلامی مردم ایران نیز بعد از گذشت سال ها و کسب تجارب بسیار به پیروزی رسیده است . به همین دلیل و با استناد بر سخنان انقلابیون ایران مبنی بر حمایت از مردم فلسطین تعدادی از مبارزین برای استفاده از شرایط موجود و آشنایی بیش تر با تفکرات انقلاب اسلامی به ایران سفر کردند و خواهان دیدار با امام خمینی و شخصیت های مسئول در انقلاب شدند. در همین دیدارها بود که امام خمینی بر شکل گیری مقاومتی بر پایه اسلام در منطقه تاکید نموده و از این مبارزان خواستند تا به این قضیه جامعه عمل بپوشانند و تنها راه تسلط بر رژیم صهیونیستی و شکست آنها را ایجاد حرکتی اسلامی دانسته و با استدلالات فراوان و نقد منطقی شیوه های مبارزه سابق این مبارزان را متقاعد کردند

که ایجاد کننده چنین حرکتی نو باشند . مدتی بعد از این دیدار ها و بازگشت مبارزین خبرهایی درباره موجودیت گروه هایی با دیدگاه های کاملاً اسلامی در منطقه به گوش رسید . مبارزانی که تعداد آنها در ابتدا کم بود اما قدرت و اراده ای استثنائی که در فعالیت های پنهانشان وجود داشت ، آن ها را از دیگر گروه ها جدا می کرد. مبارزه ای که از اصول اسلامی تبعیت میکرد و خود را از بند وابستگی به سایر قدرت ها رها نموده بود و این موجب نگرانی افرادی شد که سالها بعد ضربات سنگینی از این گروه ها خورده و دیگر تاب و توانی برای مقابله با این قدرت نوظهور نداشتند. این مطلب مقدمه ای بود بر آغاز پیروزی های بزرگ. پیروزی هایی که بعد از شکل گیری رسمی گروه های مقاومت اسلامی همچون حزب الله و حماس و سایر گروه ها در نهایت موجب اخراج اسرائیلی ها از لبنان و آزادی بسیاری از زندانیانی شد که سالهای سال در بند این رژیم منحوس بودند . با ادامه جریان مقاومت اسلامی اکنون شاهد تاسیس گروه های پنهان و آشکاری هستیم که در حال مبارزه با قدرت های ظالمی همچون اسرائیل و آمریکا و ایادی آنها در منطقه ما هستند و این مسئله از جمله تاثیرات پیروزی انقلاب اسلامی بر منطقه ما می باشد ...

سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران:

امکان چنین چیزی هست که بتوان با دیپلماسی، فلسطین را به فلسطینیان برگرداند؟ اینجا راهی جز مبارزه وجود ندارد. به همه اطمینان دهید که ایران اسلامی، هر میزان هم که فشارها افزایش یابد و محاصره‌اش تنگ‌تر شود، فلسطین این‌نگین جهان اسلام و قبله اول مسلمانان و محل معراج رسول خدا (ص) را تنها نخواهد گذاشت. هرگز در ازای زرق و برق و لاشه این دنیا، از این واجب دینی یعنی «حمایت از فلسطین» دست نخواهیم کشید. دفاع از فلسطین مصداق واقعی دفاع از اسلام و قرآن است و هر کس ندای شما را بشنود و به یاری شما نشتابد مسلمان نیست.

دوهفته‌نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر

سال دوم/شماره هشتم/خردادماه ۹۹

ویژه‌نامه روزجهانی قدس

چرا معامله قرن محکوم به شکست است؟



آمریکا و اسرائیل درباره چیزی تصمیم گیری کردند که به هیچکدامشان مربوط نیست

به نظر می رسد بهترین عنوانی که می‌شود برای این طرح در نظر گرفت به لحاظ حقوقی یک اصطلاح حقوق داخلی است؛ ولی اینقدر شیوا است که در مسئله بین المللی می‌شود استفاده کرد آن هم معامله "به نام غیر" است و در واقع رسما آمریکا و اسرائیل در مورد چیزی تصمیم گرفتند که اساسا به هیچ کدامشان متعلق نبوده و این دقیقا نقض مواد ۳۶، ۳۵ و ۳۷ کنوانسیون وین معاهدات ۱۹۶۹ است که معروف به کنوانسیون کنوانسیون هاست. در واقع نقض این مواد است که این مهمترین معاهده‌ای است که در زمینه معاهدات داریم و گرنه اسناد و فکت‌هایی که این طرح را زیر سوال ببرد زیاد است. مهمترین هایش را می‌گوییم ممکن است در جواب بگویند این معامله بین آمریکا و اسرائیل نبوده و حرکت آمریکا تاکید دارم بگویم آمریکا نه ترامپ همان طور که گفتند این نقشه سال‌ها پیش کشیده شده و ترامپ مجری است و صرفا دکور کار است و این حرکت آمریکا یک میانجی گری نبوده این طور که می‌گویند در جواب ممکن است بگویند معامله نبوده و آمریکا میانجی گری کرده و دو شاخص مهم دارد که یکی از آنها، بی طرفی است می‌بینیم بی طرفی وجود ندارد. این طرح کاملا امنیتی است و تمام آنچیزی که حتی تهدید باشد برای امنیت اسرائیل در این طرح به شدت محدود شده و حتی برای آینده هم پیش بینی شده و همین نکته نشان می‌دهد آمریکا به هیچ وجه میانجی گر بی طرف نیست. مسئله میانجی گری آمریکا در معامله قرن به لحاظ حقوقی قابل قبول نیست.

نکته بعدی این که در بحث میانجی گری در حقوق بین الملل این را داریم که پیش نویسی از درخواست های طرفین آن معاهده تهیه شود و شخص میانجی گر یا کشور میانجی گر در چارچوب آن پیش نویس اقدام کند حتی در سطح لابی گری با مسئولین فلسطین این اتفاق نیفتاده چه برسد به این که پیش نویسی یک متن حقوقی از آنها خواسته شده باشد در اتاق کنفرانسی همه تصمیم گرفته

شود این چیزها نبود فلذا عنوان میانجی گری نمی شود به حرکت آمریکا داد. شما می بینید در این طرح در متن طرح حتی از عنوان دولت برای فلسطین استفاده نشده و به رسمیت شناخته نشده و این نشان می دهد اصلا طرف معاهده را راه ندادند و حتی گفتند اگر بخواهیم به عنوان یک دولت شناسایی کنیم شروطی گذاشتند که نتیجه آن این می شود. این چه جور دولتی است دولت فلسطین که قرار است بسازید دولتی که برای عضویت در هر سازمانی باید از اسرائیل اجازه بگیرد، فلسطین اگر بخواهد علیه جنایات اسرائیل یک دعوایی طرح کند نمی تواند چون باید از اسرائیل اجازه بگیرد، یا مثلا برای استخدام های دولتی برای تشکیل ساختار دولت خودش هم اسرائیل تعیین تکلیف می کند. یکی از آنها این است که اعضای حماس نباید در ساختار دولت باشند یا باید خلع سلاح کامل باشد خب این چه جور دولتی است این شیر بی یال و دم است.

نکته بعدی اینکه ما معتقدیم اصلا طرح ترامپ طبق گفته رهبری پیش از مرگ ترامپ از بین می رود که کاملا به لحاظ حقوقی درست است از آن جهت که این طرح به لحاظ حقوق بین الملل کاملا نادرست است به این خاطر که اصولی را از حقوق بین الملل زیر پا گذاشته که آنقدر جدی هستند حتی لازم نیست برای بیان آنها به اسناد و فکت های حقوق بین الملل استناد کنیم کاملا پذیرفته شده هستند. یکی از مهمترین ها آن است که این طرح تعارض با اصل مهم حق تعیین سرنوشت دارد تعارض با برابری حاکمیت ها دارد و در واقع تعارض دارد با منع مداخله در امور دیگر دولت ها که بند ۷ منشور صراحتا در این موضوع صحبت کرده که طبق اصطلاح منشور می گوید اموری که ذاتا در صلاحیت داخلی کشورهاست هیچ کشور دیگری نباید در آن دخالت کند. رسما این طرح دخالت جدی است یک نکته قابل توجهی که وجود دارد در پرانتز بگویم این است که نگرانی ما صرفا نگرانی برای فلسطین نیست نگرانی ما نگرانی برای جهانی است که با سرعت بسیار زیادی به دوران قبل از منشور برمی گردد و اقدامات شورهایی مثل آمریکا و اسرائیل در طی این سال ها که در این طرح خیلی آشکار شد و شاید یکی از دلایلی که کشورهای درست و حسابی خیلی از این طرح حمایت نکردند و هیچ حقوقدانی از آن دفاع نکرده این است که آمریکا با این طرح چیزهایی را زیر سوال برده

مثال می زنم در بند دو ماده یک منشور ملل متحد گفته شده اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل پایه و مبنا ی رسیدن به صلح جهانی است.

صلح جهانی همان چیزی است سال هاست ملت های مختلف جنگیدند منشور نوشتند اعلامیه جهانی حقوق بشر را تدوین کردند و اقدامی که صلح را زیر سوال ببرد قطعاً خطر جهانی محسوب می شود. پرانتز بسته ادامه می دهم تعارض این طرح را با بقیه اسناد بین المللی این طرح با رویکرد کلی سازمان ملل و حتی شورای امنیت به عنوان یکی ازقدرت محورترین و سیاسی ترین ارکان سازمان ملل هم در تعارض است. یا مثلا بقیه قطع نامه های شورای امنیت بیان کرده که قدس یک منطقه کاملا فلسطینی و تحت حاکمیت فلسطین است ولی می بینیم از نظر آمریکا می تواند پایتخت اسرائیل باشد یا در قطع نامه های شورای امنیت غزه و کرانه باختری تماما فلسطینی محسوب می شود و شهرک سازی ها اشغالی محسوب می شود ولی در این طرح نیست و همه فکت هایی است که سازمان ملل و شورای امنیت قطع نامه داده ولی قطعاً این ها در نظر نگرفته اند نکته جالب توجه این است که این مسئله و بی توجهی به وضع موجود و نظام حقوقی موجود در سطح بین الملل را آمریکا و اسرائیل صراحتا در این طرح بیان کردند که ما مطلع هستیم و عمدا این کار را می کنیم.

به اصطلاح تحت عنوان بیان کردند که درست است یک مجمع عمومی سازمان بین الملل دارد و یک قطع نامه هایی هم صادر کرده یک بیانیه هایی هم داده شورای امنیت هم حالا به هر حال یک حرف هایی زده اما این ها نقش تاریخی مجمع عمومی و سازمان ملل بوده واین نقش تاریخی نتوانسته راه به جایی ببرد راهی که ما می گوئیم. این نشان می دهد که حالا آمریکایی که سال ها در پی این بود که از وضع موجود و حالا حقوق موجود بگذرد به این خاطر که معتقد است که این سازمان ملل این ساختار این حقوق بین الملل منافع آن و هم پیمانانش را تامین نمی کند ولی خب با این طرح دیگر باز هم بیانش کرد و سرعت به آن داد ولی خب ما معتقدیم که اگر هم بناست که تغییری از وضع موجود اتفاق بیفتد که ماهم طرفدارش هستیم که سازمان ملل پاسخگوی نیاز ملل امروز نیست یا شورای امنیت پاسخگوی نیاز بشریت امروز نیست ولی اگر هم بناست بگذریم باید در چارچوب آن قواعد باشد همان جور که در مواد و اصول



۱۰۷ و ۱۰۸ منشور گفته شده باید در همان چارچوب این تغییر اتفاق بیفتد ما نمی توانیم تغییری ایجاد کنیم که اصول بنیادینی مثل حق تعیین سرنوشت که کسی رویش بحثی ندارد را از بیخ بزیم. اگر هم بناست تغییری ایجاد شود باید این اصولی که ملت های مختلف سال ها به خاطرش جنگیدند محترم باشد.

ما هم معتقدیم که باید از این وضع گذشت اما این که چه کسانی بگذرند از کجا بگذرند و به کجا برسند مهمترین سوالی است که مطرح می شود این که اگر بناست سازمان ملل تغییر کند پس همه ملت ها باید درگیر باشند همه ملت ها و نظرهایشان و تفکراتشان باید درگیر باشد نه اینکه آمریکا و اسرائیل قیم مابانه برای همه کشورها تعیین تکلیف کنند و تمام قطع نامه ها و اسناد حقوق بین الملل را بی اعتبار کنند.

باید قوی شویم اینجا بسیار اهمیت دارد اگر می خواهیم در این سیکل پرسرعت گذر از وضع جهانی و نظم جهانی موجود و حقوق بین الملل موجود دخیل شویم باید قوی باشیم. باید علمای حقوق ایران از این سیکل باطل ترجمه کردن دکترین غربی در حوزه حقوق بین الملل خارج شوند و ما باید به طور جدی ادبیات مقاومت را به عنوان یک دکترین در حقوق بین الملل وارد کنیم و این حوزه حقوق بین الملل بدین گونه قوی می شود که ما بتوانیم وارد این سیکل بشوم و تغییراتی که اتفاق می افتد را متوجه کنیم به منافع همه کشورها به خصوص مستضعفین.

یک سوالی که پرسیده شده این است که حالا در واقع به لحاظ حقوق بین الملل چه مقابله ای می شود با این طرح کرد و چه اقداماتی می توانیم انجام بدهیم خیلی مختصر بخواهم بگویم هیچ، یعنی این طرح به اندازه کافی آنقدر ضعیف است که به لحاظ حقوقی قابلیت و پتانسیل اجرایی نداشته باشد؛ اما برای برخورد با ان نهایت کاری می توانیم بکنیم این است فلسطین یا بقیه کشورها جلودار شوند بقیه کشورهای اسلامی و عربی هم اگر به این اتحاد برسند یک روزی برویم از مجمع عمومی سازمان ملل یک قطع نامه بگیریم در محکومیت این طرح که خب البته همه می دانیم قطع نامه های مجمع عمومی الزام آور نیست کنفرانس اسلامی بیانیه ای بدهد این حرکات را نهایتا می شود فعلا در وضع موجود هیچ تاثیری ندارد. اصلا به لحاظ حقوقی الزام آور نیست که بتوانیم استفاده کنیم.



سید حسن نصرالله،دبیر کل حزب الله لبنان:

ما پایداری خود را به قضیه فلسطین اعلام می کنیم و در این راه کنار ملت فلسطین و گروه های مقاومت حرکت خواهیم کرد. ما راه شهید سلیمانی را تکمیل خواهیم کرد و با او عهد می بندیم که ارزوهایش را محقق خواهیم کرد و در این مسیر گام بر میداریم و در تمام جبهه هایی که او در آنها کار میکرد،حاضر خواهیم بود.



در هاله ای از غبار

در این سال‌ها خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده انجمنی را تأسیس کردند به‌نام انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی تا بتوانند پرونده پیگیری سرنوشت آن‌ها را از طریق پیگیری حقوقی ادامه دهند. دبیرکل این انجمن سید رائد موسوی تنها فرزند جاویدالآثر سید محسن موسوی بود. البته سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان و بسیاری از شخصیت‌های لبنانی، سمیر جعجع و فالانژها را مسئول ربایش دیپلمات‌های ایرانی دانسته و خواستار روشن‌شدن این موضوع شده‌اند.

سید حسن نصرالله درباره ۴ دیپلمات ایرانی گفته است: نشانه هایی وجود دارد که دیپلمات های ایرانی در زندان های رژیم صهیونیستی بسر می‌برند. اسرائیل در گزارش خود ادعا می‌کند که چهار دیپلمات ایرانی توسط فالانژها ربوده شده و به دست این نیروها کشته شدند و اجساد آنان دفن شده است. اسرائیل دشمن ما است و ما نمی توانیم به گزارش های آن اعتماد کنیم. همانطور که اسرائیلی‌ها در گذشته هم حضور بعضی اسیران در زندان های خود را تکذیب می کردند، اما مشخص شد که این اسیران در زندان های این رژیم بوده اند.

پیش از این نیز مقامات متعددی از ایران از جمله شهید غضنفر رکن آبادی سفیر پیشین ایران در بیروت نیز اعلام کرده بود که، «چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی زنده و در زندان های رژیم صهیونیستی هستند».

مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز گفته بود: اگرچه ابتدا گفته می‌شد که سید محسن موسوی کاردار جمهوری اسلامی ایران در بیروت و همراهانش کشته شده‌اند؛ اما شواهد و مدارک موجود، حاکی از آن است که آن‌ها در اسارت اسرائیل است.

همچنین یک زندانی یونانی آزاد شده از زندان‌های اسرائیل نیز با مراجعه به سفارت ایران در یونان ادعا کرده که هر چهار ایرانی را در زندانهای اسرائیل دیده است.

راضیه راستکوه

کارشناسی ارشد برق

اواخر خرداد ۱۳۶۱ چند روزی از عملیات آزادسازی خرمشهر با نام بیت المقدس و به فرماندهی احمد متوسلیان نگذشته بود که خبرهایی از تهاجم ارتش صهیونیستی به خاک لبنان منتشر شد. متوسلیان طی ماموریتی به همراه یک هیات عالی‌رتبه دیپلماتیک از مسئولین سیاسی- نظامی کشورمان راهی سوریه شد تا راه‌های مساعدت به مردم مظلوم و بی‌دفاع لبنان را بررسی کند.

۱۴ تیر ۱۳۶۱ خودرو سیاسی سفارت جمهوری اسلامی ایران که در حمایت پلیس دیپلماتیک لبنان از شهر بندری طرابلس به بیروت باز می‌گشت، برخلاف قوانین بین‌المللی و مصونیت دیپلمات‌ها در منطقه «برباره» توسط نیروهای رژیم صهیونیستی مוסوم به «نیروهای لبنانی» متوقف شد و سه دیپلمات ایرانی و خبرنگار همراه آنها ربوده شدند. دقایقی بعد از ربوده شدن احمد متوسلیان و همراهانش، رادیو اسرائیل اعلام می‌کند: ژنرال احمد متوسلیان، طراح عملیات فتح المبین و بیت المقدس، در پست بازرسی «برباره» به‌اسارت گرفته شد. از آن زمان تاکنون از سرنوشت سیدمحسن موسوی (کاردار سفارت ایران)، حاج احمد متوسلیان (وابسته نظامی سفارت ایران در بیروت)، تقی رستگارمقدم (کارمند سفارت) و کاظم اخوان (خبرنگار و عکاس ایرنا) خبری در دست نیست.

در آن زمان، پیرو جنگ‌های داخلی در لبنان، اسرائیل به این کشور حمله کرده بود و حزب فالانژ، همکاری نزدیکی با این رژیم داشت. هرچند ابتدا گفته می‌شد که سیدمحسن موسوی، کاردار جمهوری اسلامی ایران در بیروت و همراهانش کشته شده‌اند، اما شواهد و مدارک موجود، حاکی از آن است که آن‌ها در اسارت نیروهای اسرائیلی هستند.

سال ۲۰۰۸ رژیم صهیونیستی گزارش مفصلی را از طریق سازمان ملل در این زمینه ارائه داد. فرض بر این بوده که تجمیع اطلاعاتی که در این خصوص دست اسرائیل بوده، در قالب آن گزارش آمده . ماحصل این گزارش می‌گوید این دیپلمات‌ها همان روز اول که ربوده شده‌اند، شهید شده‌اند و ماجرای شهادتشان هم ربطی به اسرائیل نداشته است، در واقع رژیم صهیونیستی سعی کرده در این گزارش خود را تبرئه کند.

همان سال آخرین تبادل بین حزب‌الله و رژیم صهیونیستی انجام شد و سمیر قنطار هم در همین تبادل آزاد شد، حزب‌الله خیلی پافشاری کرد که در این تبادل آن ۴ دیپلمات ایرانی هم گنجانده شوند. سید حسن نصرالله در سخنرانی بعد از این تبادل نیز این موضوع را مطرح کرد. اما اسرائیل پرونده اراد را مطرح کرد.

رون آزاد کمک‌خلبان مفقود شده نیروی هوایی ارتش اسرائیل است که در سال ۱۹۸۶ در لبنان سقوط کرد. این خلبان زنده به دست مصطفی دیرانی می‌افتد و ۶ ماه در زندان بوده بعد از ۶ ماه در لبنان ناپدید می‌شود. اسرائیلی‌ها به‌دروغ اعلام می‌کنند که او دست ایران است. شهریور سال ۱۳۷۵ رادیو رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «هرگونه اطلاعات در مورد دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده در لبنان، می‌تواند اطلاعات متقابلی در مورد رون آزاد به‌همراه داشته باشد».

قرار می‌شود حزب‌الله و رژیم صهیونیستی گزارش اطلاعاتی خود را در مورد این پرونده‌ها اعلام کنند. گزارشی که حزب‌الله درباره آزاد داد، یک هفته زودتر از گزارشی بود که اسرائیل در مورد ۴ دیپلمات داده است. در آن زمان روزنامه الشرق الاوسط مقاله‌ای زد که این گزارشی که حزب‌الله راجع به آزاد داده است، در هیئت دولت اسرائیل بررسی شده و به این نتیجه رسیدند که نکته جدیدی در این گزارش نیست و چون این گزارش چیز جدیدی ندارد، این‌ها هم تصویب کردند در گزارششان نکته جدیدی ارائه ندهند.

که احتمال شهادت این دیپلمات‌ها نیز جزو احتمالات قوی سرنوشت این پرونده است.

البته سید رائد موسوی فرزند جاویدالآثر سید محسن موسوی در مورد اظهارات ایوبی نیز گفته بود: «من با عیسی ایوبی که مطالبی در رابطه با هم‌سلول بودن با چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی عنوان کرده است، یکی دو سال پیش ملاقات کرده‌ام و با هم مفصل صحبت کردیم. متأسفانه صحبت‌های ایشان با هیچ کدام از اسناد و مدارک و روایات دیگر تطابق ندارد».

او که به‌عنوان دبیرکل انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در جریان جزئیات پرونده حقوقی و پیگیری‌های سیاسی و بین‌المللی این چهار دیپلمات بوده است، می‌گوید: تا وقتی سندی مبنی بر شهادت این عزیزان به‌دست نیاورده‌ایم باید احتمال زنده بودن آنان را بالا بدانیم.

موسوی می‌گوید: حداقل سه مورد داریم زندانیانی که از فلسطین اشغالی آزاد شدند به طرق مختلف نقل کردند که «ما در نقل و انتقال افرادی را دیدیم و آنها یک‌جوری به ما منتقل کردند که «ما ایرانی هستیم و شما بروید به سفارت ایران بگویید که ما را اینجا دیده‌اید». مورد آخر هم همین زندانی یونانی بود .

به هر صورت، آخرین اخبار و گزارش‌های رسمی در ایران حکایت از آن دارد که دیپلمات‌های ایرانی زنده هستند و در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند.

«ما منتظریم که آقای حاج احمد متوسلیان ان‌شاءالله بیاید؛ نگویید شهید، ما که خبر نداریم از شهادت ایشان. خداوند ان‌شاءالله که فرزند شما را -هرجا که هست، هرجور که هست- مشمول لطف و فضل خودش قرار بدهد. ما که آرزو میکنیم ان‌شاءالله خداوند این جوان مؤمن و صالح را برگرداند.»

مقام معظم رهبری



حضرت آیت ا... سید علی سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان:

وضعیت غم انگیز ملت فلسطین ایجاب می کند که مسلمانان از هیچ خوردنی و نوشیدنی لذت نبرند تا اینکه دستان ظالمان متجاوزگر را از سر برداران و خواهرانشان کوتاه کنند.
بیش از هرزمان دیگری از امت عربی و اسلامی خواسته می شود که در راه توقف تجاوزگری های پی در پی و شکستن محاصره ناعادلانه تحمیلی علیه این ملت شریف مواضع عملی در پیش بگیرند.

دوهفته‌نامه سیاسی‌دانشجویی هفت تیر

سال دوم /شماره‌هشتم /خردادماه ۹۹

ویژه‌نامه روزجهانی قدس

۴

طرح ایران برای فلسطین



اسرائیل برای ایجاد کمیت‌ه‌ای با هدف رد مصونیت قضایی نتانیا‌هو است.لذا یکی دیگر از اهداف رونمایی از این طرح نیز تلاش برای نجات نخست وزیر رژیم صهیونیستی از بحران داخلی است.

با توجه به مخالفت قاطبه مردم و رهبران فلسطینی حتی دولت خودمختار فلسطین با طرح معامله قرن، هیچ امیدی برای موفقیت آن نیست و این پیشنهاد نیز مانند بقیهٔ طرح‌های سازش بی نتیجه مانده و به بایگانی تاریخ سپرده خواهد شد. موضع‌گیری انقلابی محور مقاومت و مجاهدین فلسطینی از جمله حماس و سازمان جهاد اسلامی و همچنین مخالفت یکپارچه کشورهای مسلمان، نشان می‌دهد که طرح معامله بزرگ قرن همانگونه که مقام معظم رهبری نیز پیش بینی کردند، محکوم به شکست است.

در حال حاضر شش میلیون فلسطینی در داخل فلسطین زندگی می‌کنند و شش میلیون فلسطینی آواره که در سازمان ملل به عنوان پناهنده ثبت نام شده‌اند در خارج از فلسطین به خصوص اردن مقیم هستند. این دوازده میلیون انسان حق تعیین سرنوشت خود را دارند و باید سازمان ملل متحد و تمام نهادهای دموکراتیک و مدافع حقوق بشر در سطح جهان، برای اجرائی کردن طرح جمهوری اسلامی ایران، توجیه شده و اقدامات خود را انجام دهند.

طرح ایران که امروز به عنوان سند سازمان ملل متحد نیز مطرح شده، به عنوان اقدامی مبتنی بر مردمسالاری و سازگار با ارزش‌ها و معیارهای بین المللی، مورد تأیید نخبگان جهان و مردم آزاده قرار گرفته است. این طرح، نمایانگر تحقق صلح با محوریت عدالت یا همان صلح عادلانه بوده و در صورت پیگیری دستگاه دیپلماسی و دیگر نهادهای ذیربط در سیاست خارجی، با اقبال عمومی مواجه شده و طرح معامله قرن را به چالش خواهد کشید.

سرنوشت مردم بوده و بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین آ‌با واجدادی، برگزاری انتخابات با مشارکت مردم اصلی فلسطین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی، تشکیل نظام سیاسی منتخب اکثریت براساس همه پرسی و نهایتاً تصمیم‌گیری از سوی نظام سیاسی منتخب اکثریت برای سایر ساکنین در فلسطین اشغالی که مردم اصلی آن محسوب نمی شوند، را دنبال می کند.بر اساس این طرح، همه فلسطینیان واقعی اعم از مسلمان و یهودی و مسیحی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی در همه پرسی شرکت کرده و با مراجعه به افکار عمومی ، نظام حاکم بر سرزمین خود را تعیین می‌کنند.

از سوی دیگر در روزهای اخیر، طرح آمریکائی- صهیونیستی «معامله بزرگ قرن» از سوی دولت ترامپ با هدف ایجاد سازش بین دولت‌های فلسطین و اسرائیل مطرح شده، و واگذاری نیمی از کرانه باختری، تمام نوار غزه و چند محله ازبیت‌المقدس شرقی به رژیم صهیونیستی را هدفگذاری کرده است. بر اساس این طرح، ساکنین فلسطینی باید از این مناطق کوچ کرده و به نیمه دیگر کرانه باختری بروند و در نتیجه غیر از تغییر بافت جمعیتی فلسطین، بیت المقدس نیز پایتخت فلسطین نخواهد بود و شهر ابودیس جایگزین بیت المقدس خواهد شد.

رونمایی از طرح «معامله قرن» در تیرماه گذشته توسط جارد کوشنر، داماد و مشاور ارشد رئیس جمهوری آمریکا انجام شد و طرح دوباره این موضوع، ارتباط مستقیم به شرایط سخت ترامپ در داخل آمریکا و به‌خصوص موضوع استیضاح وی دارد. رئیس جمهور آمریکا قصد دارد با رونمایی مجدد از این طرح، مشکلات داخلی خود را کمرنگ کرده و به حاشیه ببرد. هشتم بهمن یعنی تاریخ رونمایی از طرح معامله قرن نیز مصادف با روز رای گیری نمایندگان پارلمان



طرح برگزاری همه‌پرسی برای حل مسئله فلسطین که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در شانزدهمین نشست سران جنبش غیرمتعهدها در نهم شهریور ۱۳۹۱ مطرح گردید، اخیراً طی نامهٔ مجید تخت روانچی، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، به عنوان یک سند بین‌المللی برای آنتونیو گوت‌رش دبیر کل این سازمان ارسال شد تا در اختیار اعضای شورای امنیت قرار گیرد.در نامهٔ نماینده دائمی ایران در سازمان متحد آمده است:« مایه نگرانی عمیق است که پس از هفت دهه، مسئله فلسطین همچنان لاینحل باقی مانده و جامعه بین المللی در حل و فصل این بحران پیچیده و قدیمی ناکام بوده است.»

قریب به نوزده سال پیش، رهبر معظم انقلاب در اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها در تهران خاطر نشان کردند:

«ما راه‌حلی عادلانه و کاملاً دموکراتیک را پیشنهاد کرده‌ایم؛ همه فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه فلسطینیانی که سالها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند، به کشور خود باز گردند و در این همه‌پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آنگاه صلح برقرار خواهد شد.»

طرح جمهوری اسلامی ایران برای حل مسئله فلسطین، یک طرح کاملاً اجرائی و مبتنی بر اصل حق تعیین

مسئله‌حیاتی است

مسلمان انقلابی در مساله فلسطین کوتاهی کنیم،خودمان جا مانده ایم...قطار آزادی فلسطین به سرعت در حال حرکت است،قطاری که مسافران‌ش از تمام جهان هستند،از آن جوان آمریکایی و اروپایی آزاده گرفته تاآن سیاه پوست افریقایی و آن چشم بادامی شرق آسیایی همه یک صدا شده اند برای آزادی فلسطین،برای آزادی انسانیت...

من شک ندارم که بزودی قدس شریف و فلسطین اشغالی ازاد خواهند شد و آوارگان فلسطینی به میهن خود بازگشته و رژیم جعلی اسراییل هم نابود خواهد شد...این را بهتر از همه ترامپی میفهمد که برای چند سال بیشتر نفس کشیدن این رژیم دست به دامن معامله دروغین قرن شده،معامله ای که به قول حضرت آقا قبل از مردن ترامپ،خواهد مرد...اما تمام ترسم از این است که نکند ما دانشجویان مسلمان انقلابی از این قطار در حال حرکت جا بمانیم...

در آخر این یادداشت و در حالیکه این دغدغه،یک دغدغه جهانی شده است باید یادی کنیم از تمام کسانیکه در راه آزادی قدس شریف،گام های بزرگی را برداشته اند... حضرت امام خمینی(ره) که مسئله فلسطین را مسئله اول جهان اسلام قمداد کردند و با فریاد های فراوانی که بر سر جهان عرب و مسلمانان کشیدند سبب بیداری امت مسلمان در خصوص مسئله فلسطین شدند. حال که دارم متنی برای فلسطین مینویسم نمیتوانم که یادی از سردار رشید اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی نکنم. شهدی که مدام از نابودی رژیم جعلی اسراییل میگفت و با ضربه های مهلکی که در جنگ ۳۳روزه لبنان و ۲۲روزه غزه بر پیکره این رژیم غاصب وارد آورد نقش مهم و اساسی در شکستن هیمنه دروغین صهیونیست ها شد.همچنین حالا که از جنگ ۳۳ روزه سخن گفتم،باید از شهید بزرگوار حاج عماد مغنیه و سید مقاومت،سید حسن نصرالله یاد کنم که تلاش های فراوانی در راه نابودی اسراییل کرده اند.

به امید آزادی فلسطین اشغالی و نابودی رژیم جعلی اسراییل.

علی یزدی

کارشناسی حقوق

نوجوانان و کودکانی که در سال ۱۹۴۸ از خاک و وطن و خانه خود اخراج شدند،شاید تصور میکردند که نهایتاً یک ماه بعد به خانه‌های خود برمیگردند،اما حال از آن تاریخ ۷۲ سال میگذرد،آن نوجوان ها دیگر پیر شده اند و خیلی از آنها در رویای بازگشت به وطن خود از دنیا رفته اند...

نمیدانم باید از بی غیرتی سران کشورهای عربی بنویسم که راه سازش با اسراییل را به خاطر مطامع دنیوی پیش گرفتند یا از یاسر عرفاتی بنویسم که حتی به ملت خود پشت کرده و زیر بار تعهد ننگین اسلو رفت. به قول امام راحلمان اگر تمام ملت های مسلمان فریاد الله اکبر خود را بر سر این غاصبان بلند میکردند شاید دیگر اثری از اسراییل نبود.شاید هم باید از خودمان بنویسم...مایی که ادعای تشییع و مسلمانی مان عالم را پر کرده است اما تنها سالی یکبار در روز قدس فقط یادی از مظلومیت مردم فلسطین میکنیم.

اما میخواهم بنویسم که این مساله حیاتی هست... مسئله ای که دیگر نه محدود به ملت عرب ،نه به مسلمانان و نه حتی مردم خاورمیانه می باشد...قضیه فلسطین امروز قضیه اول جهان است...در فلسطین تمام ارزش های انسانی و حقوق بشری له و غرور تمام ازادیخواهان جهان پایمال شده است...کودکان شهید فلسطینی هستند که بی اعتباری سازمان ملل و حقوق بشر را به اثبات میرسانند.

اگر خوب گوش کنیم صدای فریاد خشم تمام آزادیخواهان جهان از قلب نیویورک تا اروپا و شرق آسیا بر سر اشغالگران اسراییلی بلند شده است.این قضیه دیگر مرزهای خاورمیانه را رد کرده است و دغدغه تمام جهان شده است.

در این برهه تاریخی میتوان گفت که اگر ما دانشجویان





راه شهید سلیمانی را تکمیل خواهیم کرد

شهید عماد مغنیه (حاج رضوان) فرمانده نظامی و مغز متفکر حزب ا... لبنان:

الْهَدَف وَاضِحٌ وَ مُحَدَّدٌ وَ دَقِيقٌ؛
إِزَالَةُ إِسْرَائِيلَ مِنَ الْوُجُودِ؛ رِضْوَانُ

هدف واضح ، مشخص شده و دقیق است؛
نابودی اسرائیل

ویژه نامه روز جهانی قدس

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر
سال دوم/شماره هشتم/خردادماه ۹۹

حاج رضوان ، فاتحی که خود را نشان نمی داد...

لبنان به استثنای منطقه کشتزارهای شعبا در روز ۵/۳/۱۳۷۹ تجلی یافت.
پس از آزادی جنوب لبنان ، عماد مغنیه برای عملی شدن تبادل اسرای مقاومت، دو نوبت عملیات «سیرگیری» طراحی و اجرا کرد(که منجر به آزادی سمر قنطار از نیرو های مقاومت اسلامی لبنان در سال ۱۳۸۸ شد) که عملیات دوم، به جنگی ۳۳ روزه تبدیل شد. عماد مغنیه که با پیش بینی های خود، سال ها حزب الله را برای نبردی سرنوشت ساز با اسرائیل آماده می کرد، این جنگ را به فرصتی برای نمایش قدرت مقاومت تبدیل نمود و پس از ۶۰ سال، شکستی تحقیرانگیز را به دولت یهودی وارد ساخت.
مغنیه یک ماه تمام، بدون آن که شناخته شود، آن قدر در میان خطوط مقدم نبرد تردد کرد و آن نبرد را فرماندهی نمود که شامۀ صهیونیست ها، ردپای ابر مجاهد لبنانی را در جنگ مشاهده کرد و اعلام نمود که عماد مغنیه در خطوط مقدم نبرد دیده شده است. اگر چه باز هم هیچ سند قابل قبولی برای این مدعا ارائه نکرد...

روایت آخر
در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۳ بهمن ماه ۱۳۸۶ شمسی، با انفجار بمبی که درون خودروی پاجروی نقره ای رنگ در منطقه کفر سوسه و خیابان الحدیقه در دمشق رخ داد، حاج عماد مغنیه معروف به حاج رضوان و کسی که او را جادوگر مقاومت لقب داده بودند، بر اثر اصابت ده ها ترکش به سرش، شربت شهادت نوشید. مردی که آیت الله خامنه ای در پیام تسلیت به آن شهید ، او را برادر مخلص و فداکار خطاب کرد.
این عملیات ترور، نتیجه همکاری تنگاتنگ و طولانی سرویس های امنیتی رژیم صهیونیستی و عربستان بود که به زندگی دنیایی مردی پایان داد که ۲۵ سال علیه ابرقدرت ها اشغالگر و متجاوزان به حریم اعتقادی و جغرافیایی اش جنگید و پیروزی های درخشانی را به امت اسلامی هدیه کرد. درباره نحوه ترور او و جزئیات شهادتش، مطالب متنوع و حتی ضد و نقیضی منتشر شده است، اما مهم آن بود که ابر مجاهد شیعی در نهایت به آرزوی دیرینه اش رسید و بی شک خون پاکش، همانند زندگی پر بارش، برکات بسیاری برای میراث دارانش در جهان اسلام به دنبال خواهد داشت.
آری این غلم بر زمین نخواهد ماند ...
راه ما تا فتح قدس ادامه خواهد داشت

مجروح شدند آمریکا، یک گروه حرفه ای را جهت تعقیب، شناسایی و کسب اطلاعات درباره «سازمان جهاد اسلامی» که مسئولیت این حمله را پذیرفته بود، به لبنان فرستاد، تا به زعم خود، ضربات خرد کننده به این سازمان ناشناس وارد آورند. این گروه، همراه با «ریچارد مورفی» معاون وزیر امور خارجه آمریکا، عازم لبنان شدند. ساعاتی از ورود آنان به بیروت نگذشته بود که خودروی حامل مورفی، مورد اصابت موشکت های آرپی جی قرار گرفت. تحلیل گران امنیتی آمریکا، مسئولیت این عملیات را نیز بر عهده «عماد مغنیه» نهادند و برای اثبات تحلیل های خود تا این زمان، یک برگ سند هم منتشر نکرده اند.

ضررتی دیگر و سنگین به صهیونیسم و آمریکا
عماد مغنیه در واکنش به ترور شهید سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله توسط رژیم صهیونیستی، سفارت اسرائیل در بوینس آیرس پایتخت آرژانتین در سال ۱۳۷۱ و مجمع یهودیان آرژانتین را در سال ۱۳۷۳ منفجر کرد که در نتیجه آن دو عملیات حدود ۲۰۰ یهودی کشته شدند. همچنین در برخی گزارش ها آمده است هنگامی که خوابگاه کارشناسان نظامی آمریکا در شهر نفت خیز الخیر در شرق عربستان سعودی در سال ۱۳۷۵ منفجر شد و در جریان آن ۱۹ آمریکایی کشته شدند، دولت آمریکا طراح این اقدام را از عماد مغنیه دانست. اما تاکنون هیچ سر نخ قطعی از عاملان این انفجار به دست نیآورده است.

اما با توجه به روحیه جهادی حاج عماد مغنیه در مبارزه با استکبار و به خصوص صهیونیسم ، هیچ بعید نیست که طراح و اجرا این عملیات ها به دست او بوده باشد.

دهه آخر و شاهکار های جهای حاج عماد مغنیه
حاج عماد مغنیه در ادامه تلاش برای آزاد سازی جنوب لبنان از لوث وجود صهیونیست ها و مزدوران شان، با تربیت گروه های جهادی، عملیات های بزرگ و کیفی که در پایگاه عرمتا و البیاضه به مورد اجرا گذاشت، تلفات سنگینی برای اشغالگران در پی داشت، و به فریادهای اعتراض آمیز صهیونیست ها برای عقب نشینی هر چه سریع تر از جنوب لبنان افزود. در حقیقت عملیات چریکی و پارتیزانی رزمندگان مقاومت کارایی نیروی هوایی و واحدهای زرهی ارتش رژیم صهیونیستی را در جنوب لبنان مختل کرده بود، و در پی این عملیات ها شمارش معکوس شکست کامل ارتش اسرائیل در جنوب لبنان پس از ۲۲ سال اشغال و جنگ و تجاوز آغاز گردید که با خروج آخرین نظامیان صهیونیست از جنوب

یک ادعای بدون سند دیگر
در ۲۹/۱/۱۳۶۲ سفارت آمریکا واقع در بیروت غربی منفجر شد. «سازمان جهاد اسلام لبنان» مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت و علت آن را مداخله آمریکا در جنگ لبنان به نفع اشغالگران صهیونیست اعلام کرد. «رابرت بایر» جاسوس بازنشسته «سیا» در کتاب خاطراتش نوشته است: «این خونبار ترین حمله تروریستی صورت گرفته علیه ایالات متحده تا آن زمان بود و طی آن ۱۷ آمریکایی جان خود را از دست دادند. اما سازمان سیا را باید بازنده اصلی این حمله به شمار آوریم: شش افسر سیا شامل رابرت کلایتون ایمز مامور و ویژه سیا در امور خاورمیانه و معاون او جز قربانیان بودند... هرگز سیا تاکنون این تعداد افسر خود را در یک حمله از دست نداده بود و هرگز قادر به جبران این تراژدی نخواهد بود...» کارشناسان سازمان جاسوسی سیا مدعی هستند که طراح و هدایت کننده این عملیات، عماد مغنیه می باشد. مطابق معمول، ایالات متحده برای این ادعا، هیچ مدرک و مستندی ارائه نکرده است.

انتقام حمله به عزاداران حسینی
روز جمعه ۱۳/۸/۱۳۶۲، سه هفته پس از هجوم اشغالگران صهیونیست به عزاداران حسینی در جنوب لبنان، در ساعت ۶:۱۵ صبح، مقر اشغالگران صهیونیست در جنوب لبنان، واقع در ساختمان مدرسه ای به نام «الشجره» طی عملیاتی استشهادی منفجر شد. طبق بیانیه رسمی دولت صهیونیستی که ساعاتی بعد در تل آویو صادر شد، ۲۹ سربازی اسرائیلی در این عملیات کشته شده بودند. سه ساعت پس از انفجار، شخص ناشناسی در تماس با نمایندگی رویتر در بیروت، اعلام کرد که «سازمان جهاد اسلامی لبنان» مسئولیت این حمله را بر عهده می گیرد. (درباره هویت سازمان مذکور هیچ اطلاعاتی در دست نیست). گرچه تا زمان انتشار این رویداد، هیچ گروه و سازمان شناخته شده ای، مسئولیت این عملیات را بر عهده نگرفته است، اما رژیم صهیونیست، طراحی و هدایت عملیات در مدرسه الشجره را به عماد مغنیه نسبت می دهد، البته بدون ارائه هر گونه مستندی.

ضررتی دیگر و ادعای همیشگی
روز ۲۹/۶/۱۳۶۳ طی انفجاری در ساختمان سفارت آمریکا واقع در بیروت (که پس از انفجار در ۱۷ ماه قبل، به بخش شرقی بیروت منتقل شده بود) ده ها آمریکایی کشته و زخمی شدند که سفیر این کشور و «یوید میرز» سفیر انگلیس (که در طبقه چهارم با او جلسه داشت)، به شدت

سیدمهدی اسم حسینی
کارشناسی اقتصاد

ابتدای مسیر

حاج عماد مغنیه در ۱۷ آذر ۱۳۴۱ ، در یکی از توابع استان صور ، در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. او دارای دو برادر کوچک تر به نام های جهاد و فواد بود؛ که بعد ها به دست رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. آیت الله فایز مغنیه(پدر حاج عماد مغنیه) به دلیل حمله های رژیم صهیونیستی به همراه خانواده به جنوب بیروت نقل مکان کردند. عماد مغنیه پس از گذراندن تحصیلات متوسطه ، در دانشگاه آمریکایی ثبت نام کرد؛ که به علت شرایط بحرانی آن روز های لبنان از ادامه تحصیل بازماند و به مانند سایر جوانان انقلابی به صف مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی پیوست.

پیوستن به جنبش مقاومت فلسطین [فتح] و جنبش مقاومت اسلامی لبنان
در سال ۱۳۵۹ و در سن ۱۸ سالگی پس از پیوستن به این جنبش ، با توجه به استعداد ها و مهارت های نظامی بسیار زیاد حاج عماد ، او را به عضویت یگان نظامی ۱۷ انتخاب کردند. این یگان حفاظت از جان مسئولان سازمان آزادی بخش فلسطین همچون یاسر عرفات(ابو عمار) و شهید خلیل الوزیر(ابوجهاد) و شهید صلاح خلف(ابو ایاد) و سایر رهبران جنبش فتح را تأمین می کرد.

حاج عماد بر این باور بود که جنبش های مقاومت در مسیر مبارزه با اسرائیل وظیفه دارند از روش ها و تاکتیک های گوناگون جنگ چریکی استفاده کنند (بنابر گفته های مادر ایشان، الگوی ایشان در زندگی شهید مصطفی چمران بود). او با ابتکارات نوین و منحصر به فردی که داشت، عملیات مسلحانه ای را انجام می داد که در نتیجه آن اشک از چشمان اسرائیلی ها جاری می شد. در دوران جوانی با بیشتر گروه های انقلابی فلسطینی و لبنانی همکاری و هماهنگی عملیاتی داشت. درباره اصول و مبانی مبارزه با همدیگر رایزنی و تبادل نظر می کردند.

روش ها و تاکتیک های او به گونه ای چشمگیر و موفقیت آمیز که خود اسرائیلی ها انتظار آن را نداشتند. و به همین دلیل بود که چند سال بعد به فرماندهی نظامی جنبش مقاومت اسلامی لبنان برگزیده شد.

تأسیس سازمان حزب الله و پیوستن به آن
در پی اشغال لبنان در سال ۱۳۶۱ از سوی رژیم صهیونیستی، مبارزان جنبش آزادی بخش فلسطین مجبور به ترک لبنان شدند.

محاصره بیروت، سه ماه به طول انجامید و با خروج مبارزان فلسطینی و سازمان آزادی بخش از لبنان، عماد مغنیه نیز به صفوف رزمندگان مقاومت اسلامی (جنبش امل) پیوست که از سوی امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران تأسیس شده بود اما شهید مغنیه در ادامه و همزمان با انتقال سید حسن نصرالله از امل، به حزب تازه تأسیس حزب الله پیوست و پس از چندی نیز با اجرای موفقیت آمیز چند عملیات به عنوان فرمانده گارد حفاظت مقامات بلندپایه حزب الله منصوب شد و پس از آن به عنوان مسؤول عملیات ویژه حزب الله انتخاب شد.

آغاز مبارزه علیه استکبار
۲ نفر در برابر ۲۹۹ نفر
روز اول آبان ماه سال ۱۳۶۲، محل استقرار تفنگداران دریایی آمریکا (موسوم به نیروهای مارینز) در فرودگاه «بیروت»، با انفجار مهیبی به تلی از خاک تبدیل شد. به فاصله کمتر از ۱۰ دقیقه، ساختمان محل استقرار «چتربازان فرانسوی» واقع در «بیروت غربی» نیز به سرنوشتی مشابه دچار شد. چند روز بعد تلفات دقیق اشغالگران معلوم شود: ۲۴۱ تفنگدار دریایی آمریکایی و ۵۸ چترباز فرانسوی. چند ساعت بعد، یک سازمان شیعه لبنانی، موسوم به «جهاد اسلامی» مسئولیت این دو عملیات استشهادی را بر عهده گرفت و مجریان آن را دو جوان ۲۰ و ۲۱ ساله اعلام نمود. هویت مجریان این دو عملیات تاکنون مشخص نشده است، اما رکوردی که آنان در مبارزات ضداشغالگری به ثبت رساندند، هنوز دست نخورده باقی مانده است؛ دو نفر در برابر ۲۹۹ نظامی اشغالگر. منابع غربی مدعی هستند که دو عملیات از سوی عماد مغنیه طراحی و اجرا شده اند و البته تا کنون برای این ادعا، هیچ سندی هم ارائه نشده است.



ویژه نامه روز جهانی قدس

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر
سال دوم / شماره هشتم / خرداد ماه ۹۹

شیخ عیسی قاسم
رهبر شیعیان بحرین:

مقاومت و کنار گذاشتن تعصبات مذهبی راه پیروزی بر رژیم صهیونیستی است

مسجدالاقصی و قدس همان فلسطین است که امنیت و مصونیت آن در گروه قدرت و ایمان و فداکاری امت اسلامی و برخورداری از غیرت دینی است. پیروزی تقدیر امت اسلامی است و هر فرد مسلمانی می داند که ارزش های والای او چیست و چگونه از کرامت انسانی دفاع کند و باید بداند وقتی هدف اسلام محقق شود، هدف همه ملیت ها محقق می شود و همه انواع طغیان و ظلم و استبداد و آثار جاهلیت از بین می رود. زمانی که از "حاج قاسم" یاد می کنیم به یاد محراب نماز و میدان مقاومت و جهاد و جان فشانی و مسجد الاقصی و مبارک و مقدس بودنش و قدس و اهمیت آن و مسئله فلسطین و محوری بودنش و وجوب جهاد و وفاداری به آن و عشق به شهادت و تلاش جدی در این راه می افتیم.

Covid 1948



بهاره قلندر نژاد
کارشناسی مشاوره

صهیونیست ها بیش از یک قرن و نیم پیش برای ایجاد اتحاد بین یهودیان سراسر دنیا حرکت خود را آغاز کردند، آنها در ابتدا شعار وطن یهودی در آرژانتین یا یکی از کشورهای آفریقایی (بیشتر اوگاندا مطرح بود) سردادند ولی بعدها این شعار برای همراهی و هماهنگ تر کردن یهودیان سراسر دنیا (با دادن بار اعتقاد ی متوجه فلسطین به عنوان سرزمین موعود) (یهود شد. لذا در راستای تحقق این هدف سیرا شغال این سرزمین مقدس به چهار مرحله زیر تقسیم می شود :

۱ پیش از اشغال انگلیسی ها

تعداد یهودیان ادر فلسطین [از ۵۶ هزار نفر (یعنی معادل) ۸ درصد در مقابل ۶۴۴ هزار فلسطینی، (معادل) ۹۲ درصد تجاوز نمیکرد و میزان اراضی آنان هم به ۲ درصد می رسید .

نخستین موج مهاجرت یهودیان در سال ۱۸۸۲ میلادی (۱۲۶۱ هجری شمسی) آغاز شد و تعداد مهاجران تا ۱۹۰۳ میلادی) ۱۲۷۲ هجری شمسی) به حدود ۲۰ هزار نفر رسید. (در جنگ جهانی اول دولت عثمانی شکست خورده و کشور عثمانی تجزیه شده و بین قدرتهای بزرگ آن دوران، فرانسه و انگلیس تقسیم م ی شود) پس از اشغال فلسطین به وسیله انگلیس، در آوریل ۱۹۱۷ میلادی) ۱۲۸۶ هجری شمسی) (بالفور) وزیر امور خارجه انگلیس) وعده ایجاد میهن ملی یهود را در فلسطین به یهودیان داد.

پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ میلادی مقارن با ۱۲۱۸ شمسی با شکست عثمانی و تجزیه این سرزمین پهناور اسلامی انگلیس در میآید. « سرپرستی (سرزمین فلسطین با توطئه انگلیس یها به قیمومیت (قیمومیت یعنی اینکه مردم سرزمین آنقدر عقب مانده باشند که نتوانند خود را اداره کنند، بنابراین کشور یکه توانمند است میآید و به حساب کمک به آن سرزمین حکومت میکند و مردم آن سرزمین را در حکومت داری توانمند میکند و سرآخر سرزمین را به مردم همان سرزمین میسپارد).

انگلیسیها که صهیونیست های یهودی در آن نفوذ داشتند، در دوران قیمومیت اقدام به واگذاری زمین های فلسطین به اژانس یهود کردند، در این بین این اژانس تلاش میکرد علاوه بر زمین هایی که انگلیس یها به آنها میدهند با مسلمانان وارد معامله شوند و زمینهای آنها را خریداری کنند، از آنجا که علمای وقت به اندیشه شوم این یهودیان پی برده بودند، ضمن آگاه ساختن مسلمانان، حکم ارتداد و کشتن افرادی که زمینهای خود را به یهودیان می

فروشنند صادر کردند. صهیونیستها به ناچار یا با ظاهری مسلمان و یا توسط وکلای مسیحی زمینهایی را از مسلمانان خریداری کردند با این حال تا سال ۱۹۴۸ یعنی ۶۰ سال پیش که انگلیسی ها این سرزمین را ترک کرده و به صهیونیست ها واگذار کردند و آنها اعلامیه استقلال اسرائیل را صادر کردند، نزدیک به ۶ / ۶ درصد کل سرزمین فعلی فلسطین را در اختیار داشتند در حالیکه قبل از اشغال فلسطین یهودیان تنها ۲ درصد فلسطین را در اختیار داشتند.

و اما پس از ۱۹۴۸ یک رشته اتفاقاتی رخ م دهد که اسرائیل مناطق بیشتری را در اشغال خود در میآورد که مهمترین آنها جنگ ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ است.

۲ صدور قطعنامه سازمان ملل

صدور قطعنامه سازمان ملل متحد در ۲۹ / ۱۱ / ۱۹۴۷ در مورد تقسیم فلسطین به دو کشور فلسطینی و یهودی و تجزیه ۵۴ درصد از سرزمین فلسطین. ۵۴ درصد به صهیونیستها تعلق گرفت و مابقی به فلسطینیان.

۳ از جنگ ۱۹۴۸ تا جنگ ۱۹۶۷

صهیونیست ها در روز ۱۵ / ۵ / ۱۹۴۸، ساعاتی پس از اعلام پایان قیمومیت انگلیس، برپایی دولت خود را اعلام کردند و جنگ بین باندهای تروریستی صهیونیستی و فلسطینیان آغاز شد، ارتش های عربی به حمایت از ملت فلسطین وارد نبرد با صهیونیست ها شدند ولی چون آمادگی برای این جنگ نداشتند، شکست خوردند، البته وابستگی این ارت شها به ویژه فرماندهان آنها به استعمار انگلیس نیز در ناکارآمدی آنان بسیار مؤثر بود .

پس از اعلام موجودیت رژیم اشغالگر قدس و توسط بن گوریون، اولین جنگی که این رژیم علیه فلسطین و کشورهای عربی « منطقه به راه انداخت به جنگ ۱۹۴۸ معروف است. در طی این جنگ صهیونیستها ۷۸ درصد کل خاک فلسطین را به اشغال خود در آوردند. در اثر این جنگ، نخستین مرحله آوارگی بزرگ مسلمانان فلسطین به وقوع پیوست. طی آن حدود یک میلیون فلسطینی از مجموع ۱۹۰۰۰۰۰ فلسطینی در آلمان آواره شدند. حدود ۲۰۰۰۰۰ تن از مسلمانان فلسطین به نوار غزه مهاجرت کردند

و ۴۹۶۰۰۰ تن به اردن و ۱۰۰۰۰۰ تن به لبنان و ۸۵۰۰۰ تن به سوریه و ۲۰۰۰۰، « تن به مصر و عراق کوچ کردند

در سالهای « ۱۹۵۳ و ۱۹۵۰ ». کنست رژیم صهیونیستی قوانینی را مبنی بر مصادره اراضی فلسطینی ها به تصویب رساند

هنگام شروع جنگ ۱۹۴۸ تعداد فلسطینیان به ۶۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۶ در مقابل ۶۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ رسید. بخش اعظم افزایش جمعیت یهودی در اثر مهاجرتهای مورد حمایت نیروهای اشغالگر انگلیسی بودهاست. یهودیان که تنها ۵ / ۶۶ درصد از اراضی فلسطین

را در اختیار داشتند، در طول دوره قیمومیت انگلیس، بر ۱۱ درصد از سرزمین و از جمله ۱۹۱ روستا و ۷ شهر با زور مستولی شدند. سرانجام با اشغال تقریب ۳ / ۴۱ (سه چهارم) خاک فلسطین در جنگ ۱۹۴۸، نیمی از فلسطینیان از سرزمین و خانه و کاشانه خود رانده شدند و به صورت آوارگان در اردوگاه ها به حیات خود ادامه دادند.

۴ پس از جنگ ۱۹۶۷ م (۱۳۴۶ ش) اعراب و اسرائیل معروف به جنگ ۶ روزه است سئوالی که در اینجا

مطرح است این است که چرا صهیونیست ها خاورمیانه را انتخاب کردند ؟

دلیل اول اینکه همه ادیان آسمانی که مردم را به توحید دعوت کردند ، پیامبران عظیم الشانی که مبعوث شدند ، به دنیا آمدند و به شهادت رسیدند ، در خاورمیانه قد علم کردند . حساسیت دوم موضوع نفت و انرژی است ، به طوریکه ۷۵ درصد انرژی دنیا از خاورمیانه در حال تردد است .

عامل سوم اینکه خاور میانه قلب جهان اسلام است . این منطقه تراکم مسلمانان دنیا را در خود جای داده است و مسلمانان با توجه به دستورات دینی خود که آن ها را به خود اتکایی از مسیحیان و یهودیان و دوری از تبعیت از آن ها تشویق می کندو برعکس غربی ها مایل به تسلط بر تمام مردم دنیا از جمله مسلمانان بودند ، بنابراین برای تسلط و کنترل هرچه بیشتر مسلملنان به این نتیجه رسیدند که یهودیان را در این منطقه مستقر نمایند .

. عامل چهارم : موقعیت جغرافیایی است . جغرافیای خاورمیانه به گونه ای است که محل تلاقی چند قاره دنیا است در واقع قلب آسیا ، افریقا و اروپا است . نمی توان امروز از اقتدار سخن گفت ولی خاورمیانه را نا دیده گرفت .

شیخ قیس الخزعلی، دبیر کل عصاب اهل حق:

ترور شهیدان ابومهدی المهندس و حاج قاسم قاسم سلیمانی بوسیله امریکایی ها اما بدستور اسرائیلی ها بود. مصالح اسرائیل مبنی بر ترور حاج قاسم سلیمانی بود زیرا او بزرگترین تهدید و فرمانده اصلی مقاومت اسلامی بود. خون حاج قاسم سلیمانی و حاج ابومهدی المهندس آتش مقاومت را شعله ورتر میکند که این آتش تبدیل به جهنمی برای اسرائیل و مصالحش خواهد شد.



◆ بازگشت تنه‌راه حل مسئله یهود؟

	حکیمه امینی
	کارشناسی علوم سیاسی

بعد از عصر روشنگری در اروپا، یهودیان پنج رویکرد به تحولات غرب داشتند: ۱.نهضت اصلاح یا روشنگری ۲. تاکید بیشتر بر مذهب سنتی یهود ۳. مهاجرت از اروپا به آمریکا ۴. انقلاب ۵.صهیونسیم. که او ۲ در اروپای غربی و ۵و۴ در اروپای شرقی اتفاق افتاد. قوم یهود که می توان گفت پای بند ترین قوم به آداب و سنت خود است و خود را قوم برگزیده خداوند در زمین مز دانستند با مدرنیته و روشنگری و سکولاریسم دچار چالش شدند. یکی اسیميله شدن (ذوب شدن در مدرنیته) و دیگری یهود ستیزی.

که دلایل آن ها را سه عامل دانسته اند:

۱.اختلافات مذهبی و تاریخی یهودیان

۲.دوری گزینی از مردم و اشتغال به کارهایی که مردم نمی پسندد

۳.پای بندی سرسختانه آنها به مناسک و آیین یهود.

موسی مندلسون معتقد به این بود که یک یهودی می تواند همزمان در دو جهان فرهنگ یهود و فرهنگ سکولار غربی زندگی کند. که پسامد آن رشد و تقویت عقلانیت ابزاری و سکولاریسم بود. در نتیجه زبان عبری و مناسک مذهبی در بین یهودیان فرانسه و ایتالیا رو به افول گذاشته شد.

یهودیان ارتدکس بازگشت به مذهب و سنت را علاج مسئله یهود می دانستند و مخالف انقلاب سکولاریستی درمیان یهودیان بودند و آن را در تضاد با تعلیمات سنتی یهود می دانستند.

این گروه دو رویکرد نسبت به تشکیل اسرائیل داشتند: عده ای آن را مخالف با تعلیمات نصوص تورات می دانستند که این گروه در آمریکا حضور دارند.

گروه دیگر به اسرائیل مهاجرت کردند و خواهان دینی شدن جامعه و سیاست در اسرائیل شدند. در نگاه گروه دوم بازگشت یک مفهوم دینی است که منظور ان بازگشت به ارض مقدس پس از آوارگی طولانی است و تحقق این امر به معنای بخشیده شدن یهودیان از سوی خداست.

پنسکار که یک پزشک یهودی روس هست در کتاب «خود رهایی» چاره حل مسائل یهود را ایجاد یک موطن برای یهودیان می دانست اما درباره مکان آمریکا را مناسب می دانست یا در نهایت انتخاب را به کنگره یهود سپرد.

هرتزل یک خبرنگار یهودی است که معتقد بود یهودیان قوم و ملتی هستند که تنها راه حل پیش روی آن ها در مقابل اقدامات ضد یهود و «مسئله یهودی» تملک یک موطن متعلق به خودشان و ایجاد دولتی ملی با اختیار کامل است. پیشنهاد او آرژانتین یا فلسطین به عنوان موطن فیزیکی بود.

او حتی سفری به امپراتوری عثمانی برای متقاعد کردن سلطان عبدالحمید جهت اعطای فلسطین به یهودیان داشت.و او اولین کنگره حامیان صهیونسیم در شهر بال سوئیس در سال ۱۸۹۷ را برگزار کرد.

چهار عنصر اصلی هویت صهیونسیم عبارتند از تبعید، رستگاری، سرزمین و دولت. و اینگونه آنها را بهم مرتبط می کنند: رستگاری و نجات یهودیان زمانی تحقق می پذیرد که دوران تبعید اجباری آنها به سرآمده و یهودیان نقاط مختلف جهان در سرزمین موعود یا ارض عزرائیل تحت لوای یک دولت یهود گرد هم آیند.

تفسیر صهیونسیم از این چهار مفهوم که ریشه های دینی نیز دارند متفاوت از تفاسیرسنتی و مرسوم بوده به تفاسیر سکولاریستی متأثر از مدرنیته نزدیک تر است.

در چهارچوب سکولار، صهیونیست ها مدعی شدند رستگاری یهودیان نه به دست ماشیح که به دست خود آنها صورت میگیرد و آن ها نباید منتظر ظهور منجی در آخر زمان باشند. به عبارتی صهیونسیم و دولت همان ماشیح است

	علی هداوند
	کارشناسی حقوق

فلسطین کشوری در مجاورت سوریه است و وسعت آن از سوریه کمتر است و به خاطر تاریخ قدیمی و گذشته هایش توجه زیادی را در طول تاریخ به خود جلب کرده است . فلسطین از نظر پیروان ادیان ابراهیمی (یهودیان ،مسیحیان ،مسلمانان) سرزمین مقدس به شمار می رود. مردمی که در آن جا سکونت دارند بیشترشان عرب های مسلمان می باشند و با اینکه تعداد آن ها از صهیونیست ها بیشتر است اما منابع بزرگ مالی و حمایت سازمان های بین المللی در اختیار صهیونیست هاست.

یهودیان مردم بسیار باهوشی هستند؛ اصولا آن ها متشکل از چند قبیله ی کوچک بودند که در فلسطین اقامت داشتند. داستان زندگی ایشان در کتاب تورات نقل شده است.آن ها خود را قوم برگزیده می شمارند. قوم یهود در طول تاریخ خود ، بارها به زیر سلطه دیگران در آمدند و به اسارت و غلامی گرفته شدند و سرانجام قوم یهود در سراسر جهان پراکنده شدند و هیچ سرزمین مشخصی برای خود نداشتند و به هر کجا میرفتند از آن ها استقبالی نمی شد. دیگران به آن ها به دیدهی تحقیر می نگریستند. آن ها مورد شکنجه و آزار قرار میگرفتند.آن مردم بی خانمان و بی کشور ، هرگز رویای اورشلیم را از تصورات خیالی خود به یاد نبرده اند. آن ها اورشلیم را صهیون(سیون) می نامند؛ یعنی سرزمین موعود. در حدود اواخر قرن ۱۹ میلادی، تدریجا نهضت صهیون قصد مهاجرت کردند. بسیاری از مردم یهودی برای اقامت و سکونت به فلسطین رفتند.

در زمان جنگ جهانی اول ، ارتش های بریتانیا به فلسطین

که در آن زمان جزئی از خاک عثمانی بود، حمله بردند و در آنجا با صدور بیانیه ی بالفور، زمینه را برای حضور یهودیان در فلسطین فراهم کردند. علت این امر هم این بود که در این مسئله فلسطین، سرزمین خالی و غیر مسکونی نبود بلکه محل زندگی کسانی دیگر به شمار می رفت. اهالی فلسطین احساس می کردند که یهودیان با تمام ثروت عظیمی که در پشت سرشان قرار دارد و حمایت امپریالیسم که از آن برخوردارند؛ اگر به فلسطین بیایند عملا ارباب اقتصادی آن کشور خواهند شد. کما اینکه اسرائیلی ها با گرفتن نان و

زمین از دست آنها، این کار را نیز کردند.

از همان وقت موضوع فلسطین به صورت کشمکش و اختلاف میان عرب ها و یهودیان درآمد.فلسطین بعد جنگ جهانی اول به صورت مستعمره انگلستان درآمد که در آن حکومت محلی وجود نداشت، ولی عرب ها خواستار حکومت خود مختار و آزادی کامل بودند.

به همان اندازه که مهاجران صهیونی در فلسطین زیاد تر می شد؛ ترس و خشم اهالی غیر یهودی فلسطین اعّم از مسلمانان و مسیحیان از این بابت که اسرائیل کشورشان را در استیلای خود بگیرد؛ بیشتر می شد. ضمنا یکی دیگر از دلایل افزایش مهاجرت یهودیان به فلسطین این بود که نازی ها پس از پیروزی در جنگ جهانی اول، گروه زیادی از یهودیان اروپای مرکزی را، آواره ساختند. در نیجه فشار، مهاجرت یهودیان به فلسطین بیشتر شد. و این موجب افزایش نگرانی ها در این باب شد که؛ فلسطین تحت سلطه ی یهود در خواهد آمد.

در سال ۱۹۲۸ گروه های مختلف اعراب در کنگره عرب مّتحّد گشتند و به عنوان حق خود درخواست کردند که: سرنوشت مردم فلسیطن در دست خودشان باشد. مردم فلسطین نیز در قضیه معروف انقلاب براق در سال ۱۹۲۹، به تظاهرات و

اعتصاب های عمومی پرداختند. ولی انگلیسی ها در پاسخ ، فلسطینیان را سرکوب و هزاران نفر را کشتند.

سرانجام در سال ۱۹۴۸ ، با وجود قیام های متعدد در فلسطین، با حمایت آمریکا و شوروی، بریتانیا با خروج نیرو های نظامی و تسلیحاتی خود، از فلسطین خارج شد. وین گوربون رهبر باندهای صهیونیستی ، تاسیس کشور اسرائیل را در سرزمین های اشغالی اعلام نمود.

آمریکا و بعد شوروی، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناختند. اما ایران که در قیل انقلاب به صورت عملی و defacto این رژیم را به رسمیت شناخته بود؛ بعد انقلاب با برداشتن شناسایی عملی و defacto خود اسرائیل را به رسمیت نشناخته و با عنوان جعلی بودن این رژیم، خواستار آزادی مردم فلسطین شد...

*****سخنان شهید مطهری درباره مردم فلسیطن در عاشورای سال ۱۳۴۸:**

قضیه فلسطین مربوط به یک ملت است؛ ملتی که به زور مردمش را از خانه هایش بیرون کرده اند. مدّعی هستند که در ۳ هزار سال پیش، دوتفر از ما (داود و سلیمان) برای مدتی موقت درآنجا سلطنت کرده اند.

تاریخ را بخوانید که در تمام این مدت دو سه هزار ساله چه زمانی بوده است که سرزمین فلسطین به یهود تعلق داشته است؟ چه زمانی بوده است که بیشتر سرزمین فلسطین متعلق قوم یهود بوده است؟

چه قبل و چه بعد اسلام هم متعلّق آن ها نبود. قبل اسلام متعلق به مسیحی ها و بعد از اسلام متلق به مسلمانان بود. روزی که فلسطین را فتح کردند؛ در اختیار مسیحی ها بود نه یهودی ها.

اگر حسین بن علی(علیه السلام) بود می گفت: اگر میخواهی برای من عزاداری کنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد



اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس که:

قدس پایتخت دولت فلسطین در تمام این سرزمین از بحر تا نهر هست. به صهیونیست ها در خصوص هر اقدام احمقانه ای در خصوص مسجد الاقصی هشدار می دهیم. ما امروز نه تنها برای آزادی مسجد الاقصی بلکه برای آزادی کل فلسطین اشغالی تلاش میکنیم. ما در سرزمینمان ایستاده ایم و خواهیم توانست که پیروزی را محقق کنیم و با هم در صحن مسجد الاقصی نماز خواهیم خواند.

دوهفته‌نامه سیاسی‌دانشجویی هفت تیر

سال دوم/شماره‌هشتم/خردادماه۹۹

ویژه‌نامه روزجهانی قدس

اهمیت قدس در آینه ادیان



«مساجد چهارگانه از نظر فضیلت و ارزش عبارتند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد بیت‌المقدس و مسجد کوفه؛ ای ابوحمزه نماز واجب در آن‌ها برابر حج و نماز نافله در آن‌ها برابر عمره ارزش دارد.» حضرت علی علیه السلام نیز این چهار مسجد را چهار مکان در دنیا که از قصر های بهشتی هستند معرفی می‌کنند. ضمنا بیت‌المقدس اولین قبله مسلمانان نیز بوده است، جایی که در سالهای اول بعثت نبی مکرم اسلام به همراه مسلمانان به سوی آن نماز می‌خواندند؛ یعنی مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان است.

به علاوه، صخره مقدس که در زیر گنبد قبه الصخره قرار دارد، سنگی است که برای سه ادیان آسمانی اسلام، مسیحیت و یهودیت مورد احترام است. در آثار آمده است که در شب معراج محمد بن عبدالله پیغمبر اسلام از روی این صخره سوار بر بُراق شده و به معراج رفت.

عروج کرده‌است. در زیرزمین کلیسای قبر مقدس، مکانی قرار دارد که بر پایه داده های کتب عهد جدید، برخی از مسیحیان معتقدند مقبره عیسی مسیح، در آنجا واقع شده است.

همچنین بر باور مسیحیان، باغ جتسیمانی در پایه کوه زیتون محلی بوده است که عیسی مسیح در شبی که یهودا او را به رومی ها تسلیم نمود، آخرین «غذای زمینی» موسوم به شام آخر را به همراه شاگردانش صرف کرد. همچنین باغ جتسیمانی محلی است که مریم در آن مدفون گشته است. اهمیت اورشلیم و فلسطین آن گاه برای مسیحیان بیشتر می شود که طبق تصریح انجیل، حضرت عیسی در شهر بیت لحم، از شهرهای ایالت ناصره منطقه یهودیه به دنیا آمده است. به علاوه جنگ های صلیبی که به درخواست پاپ روی داد و طی آن مسیحیان برای اشغال مجدد بیت المقدس خسارات سنگینی را به جان خریدند، نشان از اهمیت بیت المقدس نزد کلیسای مسیحی در آن زمان داشت. و اما اهمیت این منطقه و آثار تاریخی آن برای پیروان دین اسلام.

رسول گرامی اسلام و پیروانش مدتی رو به این شهر نماز می‌گزارند تا اینکه قبله به کعبه تغییر یافت. به باور مسلمانان، این شهر پس از مکه و مدینه سومین شهر مقدس در اسلام است.

مسجد الاقصی از مهم‌ترین مساجد اسلامی و سومین مکان مقدس برای مسلمانان است. این مسجد در بخش جنوب شرقی بخش قدیمی اورشلیم واقع شده است. مسلمانان به مکانی که مسجد اموی، مسجد جامع قبلی و قبه الصخره در آن واقع شده‌اند، «حرم الشریف» و مسجد الاقصی می‌گویند. در این مکان، سابقا پرستش‌گاه اورشلیم و هیکل سلیمان قرار داشت که مقدس‌ترین مکان مذهبی برای پیروان یهودیت است. در آیه ابتدایی سوره مبارکه اسراء نیز به این مسجد اشاره شده است. هم چنین در روایتی از امام محمد باقر خطاب به ابوحمزه ثمالی آمده است:

اسرائیل از او، به آنان وعده داده است در سرزمین مقدس سُکنا و آرامش یابند.

مرکز این سرزمین مقدس، اورشلیم یا بیت المقدس است که از دیرباز پایتخت پادشاهان و پیامبران بنی اسرائیل بوده است. برای فهم بهتر موضوع، به سه مورد از مهم ترین بناهای مقدس یهودیان اشاره می‌کنیم:

تپه موریا: یکی از چند کوه یا تپه شهر بیت المقدس است و بنابر روایات یهود، با ظهور داوود بالای این تپه به معبد تبدیل شد و صخره مقدس از آن موقع به بعد نزد یهود، ارج و منزلت یافت و سلیمان نبی به تکمیل بنای آن پرداخت.

هیکل سلیمان: بنابر باور های یهودیان، نخستین معبد یا پرستشگاه قوم بهوه بوده که بر تپه موریا و صخره مقدس قرار دارد. بر اساس تورات، سازنده آن سلیمان نبی است (اول پادشاهان، ۱۶: ۲۸) و تابوت عهد و ده فرمان نیز در آن جا نگهداری می شده است. وجود چنین معبدی تنها در روایات مذهبی یهود قابل ردیابی است. همچنین بر باور یهودیان دیوار ندبه، از بقایای هیکل سلیمان است و بقایای هیکل سلیمان در زیر مسجدالاقصی قرار دارد.

دیوار ندبه: یا دیوار براق (حائط المبکی) به عربی، و به عبری: מְכוּנַת הַמִּזְבֵּחַ(הכוחל המערבי به معنای دیوار غربی) مقدس‌ترین مکان مذهبی یهودیان بر تپه موریا است. دیوار ندبه، قبله یهودیان جهان برای نماز است. آنان دیوار ندبه را از بقایای هیکل سلیمان و دومین پرستش‌گاه اورشلیم و محل اجابت دعا و منبع الهام می‌شمارند. این دیوار، بخشی از دیوار غربی مسجدالاقصی است. از لحاظ تاریخی می‌گویند که دیوار کنونی، از بقایای دیوار ساخته شده به دست هیرود، والی اورشلیم از سوی امپراتوری روم (متوفای سال ۴ پیش از میلاد) است. از آن زمان تاکنون، یهودیان هر روزه به خصوص روزه‌های جمعه در کنار دیوار گرد می‌آیند و بر ویرانی بیت المقدس می‌گیرند و بدین رو، دیوار راه، دیوار ندبه نامیده اند.

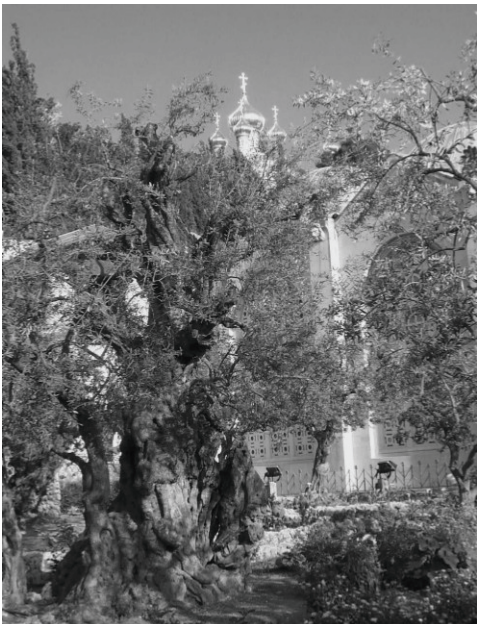
و اما دین مسیحیت که در این سرزمین نام و نشان های فراوانی از خود به یادگار گذاشته است.

با رسمی‌شدن مسیحیت در امپراتوری روم در قرن ۴ میلادی و تشکیل امپراتوری روم شرقی، غالب شهرهای واقع در فلسطین مسیحی شدند و به مرور کلیساهای متعددی در این سرزمین به ویژه در بیت المقدس ساخته شد و مسیحیان در بیت المقدس یادواره‌هایی برای وقایع زندگی عیسی مسیح برگزار می‌کردند. بیت المقدس از آن زمان تقدس ویژه‌ای نزد مسیحیان یافت. در متون مسیحی نیز بیت المقدس جایگاه ویژه‌ای دارد. عهد جدید نیز بیش از ۱۳۰ بار از کلمه اورشلیم نام برده است. نام اورشلیم با وقایع مذهبی بسیار مهم مسیحیت همراه است و شمار زیادی از حوادث مهم این آیین در این شهر روی داده است. در باور مسیحیان، اورشلیم شهری است که عیسی در آن به صلیب کشیده و دفن شد و سپس زنده شد و به آسمان رفت. مقدس‌ترین کلیسا های مسیحی در اورشلیم واقع است و هر ساله میلیون ها مسیحی از نقاط مختلف جهان به زیارت آنها می‌شتابند.

از جمله اماکن مقدس مسیحیان در این شهر باید به ویا دولوروسا (به عبری:וֵיה דולורוסה) اشاره کرد که نام خیابانی در بخش باستانی شهر اورشلیم است. بر باور مسیحیان، مسیر این خیابان، همان راهی است که عیسی مسیح در روز مصلوب شدن، آن را صلیب بردوش، طی کرد و طی راه، مورد مصائب فراوان قرار گرفت. ویا دولوروسا عبارتی لاتین و به معنای «راه رنج و درد» است. خیابان ویا دولوروسا به کلیسای مقبره مقدس ختم می‌شود. بر باور مسیحیان، عیسی مسیح در جایی که اکنون کلیسای قبر مقدس بر روی آن قرار گرفته، مصلوب گشته و از آنجا به آسمان عروج کرده است.

کلیسای مقبره مقدس یکی از مقدس‌ترین اماکن مذهبی مسیحیان است که در بخش قدیمی شهر اورشلیم و بر فراز دره جُلجتا قرار دارد. در جایی که اکنون کلیسای قبر مقدس بر روی آن قرار گرفته، عیسی مسیح در آنجا مصلوب گشته و از آنجا به آسمان

محمد حسین بهزادفر کارشناسی حقوق



سخن از قُدس، بیت المقدس، یا اورشلیم که به میان می‌آید، گوش خیلی‌ها تیز می‌شود. در واقع گوش آن‌هایی تیز می‌شود که این سرزمین برایشان اهمیت و تقدس دارد. تفاوتی هم ندارد؛ یهودی باشند یا مسلمان یا معتقد به اصول مسیح. این خاک، برای هر کدام از آن‌ها یادآور خاطرات و نام‌هایی است بسی ارزشمند و رفیع. لذا محترمش می‌دارند و به آن علاقه و مهر می‌ورزند. بیت المقدس، مقدس‌ترین شهر برای پیروان ادیان یهود و مسیحیت است و سومین شهر مقدس برای پیروان اسلام. برای شرح و درک این اهمیت، از تقدس سرزمین اورشلیم برای قوم یهود آغاز می‌کنیم که شاید برای غالب مردم روشن و آشکار باشد.

بیت المقدس یا اورشلیم هم به سبب ذات خود برای یهودی‌ها قداست و اهمیت خاصی دارد و هم به سبب برخی اماکن موجود در آن. خود این اماکن و بناها صرف نظر از این‌که در این شهر قرار دارند، محل توجه پیروان دین یهودند. در نتیجه وجود این اماکن در اورشلیم بر قداست آن شهر نزد یهودیان افزوده است و لذا جنگ‌هایی که بر سر تصرف اورشلیم درگرفته، از موضوعات پر تکرار و پر بسامد تورات است. در تورات، صدها بار از اورشلیم یاد شده و نام این شهر به صراحت برده شده است. حتی در برخی فقرات آن، تصریح شده که خانه خدا در این شهر قرار دارد. (عزرا باب پنج آیه شانزده)

به نقل تورات، داوود نبی طرح ساختن خانه خدا در اورشلیم را ریخت؛ اما کار ساختن خانه خدا را فرزندش، سلیمان نبی آغاز کرد. به تصریح تورات، حضرت داوود سی و سه سال بر سرزمین اورشلیم حکومت کرده است.

پس از داوود، فرزندش سلیمان در اورشلیم و همانجا که داود تعیین کرده بود، خانه خدا را ساخت: «سلیمان کار ساختن خانه خدا را شروع کرد یعنی همان زمین خرمن کوبی که در آن خداوند به داوود پادشاه ظاهر شد و داود آنجا را برای خانه خدا در نظر گرفت.» اورشلیم بنابر تورات، شهر برگزیده یهوه (خدا) است. در نظر یهودیان، معبد بیت المقدس، که در عبری «بیت همیقداش» نام دارد، به عنوان خانه خدا توسط حضرت سلیمان علیه السلام بنا شده است. این معبد قرن‌ها است که مرکزی است برای انجام مناسک عبادی یهودیان. معبد در تاریخ سرزمین مقدس، بارها مورد حمله واقع شده و گاه اقوام مشرک، بت‌های خود را نیز در داخل آن قرار داده‌اند. «بیت همیقداش» دو بار به طور کامل ویران گشت که آخرین آن حدود سال ۷۰ میلادی بود و علیرغم این موضوع، این مکان مقدس تا به امروز قبله گاه یهودیان جهان و مهمترین زیارتگاه آنان به شمار می‌رود. می‌توان ادعا کرد که بر اساس تورات، یهوه (خدا) در قبال پیروی بنی



روز قدس، روز تجدید عهد با قدس است به این معنا که ما ایستاده ایم.ما ناچار به مقابله با معامله قرن که یک معامله بی ارزش و شکست خورده است هستیم و ملت ما بر از بین بردن آن توانا هستند.من از تمام گروه های مقاومت خواستار اتحاد و یکپارچگی و بوجود آوردن نیروی قوی برای مقابله با امریکا و اسرائیل در منطقه هستیم



کیمیا بیدرام

کارشناسی مشاوره

درگیری های مرزی اخیر در مرز جنوب لبنان موجب گمانه زنی هایی در مورد بروز جنگ دیگری در منطقه شده است. طی سال های گذشته لبنان و اسرائیل به افزایش توانایی های خود برای جنگ حزب الله احتمالی پرداخته اند، اما درگیری های داخلی در سوریه راهبرد این دو به نوبه خود پیشرفت هایی در زمینه را تغییر داده است. حزب الله افزایش شمار و برد موشک هایش داشته است. این گروه در حالی که در سال ۲۰۰۶ با ۱۳ هزار موشک کوتاه و میان برد با اسرائیل مقابله کرد، امروز بیش از ۱۰۰ هزار موشک از این نوع در اختیار داشته و به امکان پرتاب موشک های دوربرد نیز دست یافته است.

همچنین توانایی های دیگر خود را نیز تقویت کرده از جمله حزب الله این که قدرت دفاع هوایی و دریایی اش را افزایش داده و صاحب در گستره مرزهای سلاح های ضدزرهی بیشتری شده است. حزب الله جنوب لبنان حضور دفاعی خود را تقویت و نیروهایش را در مناطق مختلف مرزی مستقر کرده است. در کنار این توانایی ها، حزب الله داعیه توان نظامی برای حمله بازدارنده به اراضی اشغالی را دارد.

گزارش سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل حاکی است نیروهای حزب از آمادگی کافی برای مقابله با حمله احتمالی اسرائیل به مناطق ادر جنوبی لبنان برخوردارند. در کنار این پیشرفت ها راهبرد حزب الله مورد سوریه که مشارکت حدود ۵ هزار نیروی آن در مناطق درگیری برای درگیر شدن احتمالی سوریه را در پی داشته، به آمادگی حزب الله بدون درگیر شدن با اسرائیل افزوده است. به عبارت دیگر حزب اسرائیل به تجارب خوبی در جبهه نبرد زمینی و موشکی دست یافته و توانسته با حضور در جبهه سوریه توان رزمی خود را افزایش دهد.

در همین حال ارتش اسرائیل نیز نسبت به سال ۲۰۰۶ تغییراتی داشته است. با این حال در صورت آغاز درگیری، توان محدودی برای کاستن از زبان های این درگیری

وجود دارد. به ویژه اسرائیل در این میان آسیب پذیرتر است. ارتش اسرائیل تخمین می زند در صورت آغاز توان شلیک روزانه هزار موشک را به عمق جنگی دیگر، حزب الله موشک حزب الله اراضی اشغالی دارد. در حالی که سال ۲۰۰۶ روزانه ۱۱۸ موشک حزب الله به به این مناطق شلیک می شد. اما مهمتر از همه دستیابی حزب الله موشک های دوربرد است که موجب شد نگرانی تل آویو از هدف قرار گرفتن مناطق امنیتی، نظامی و اقتصادی اش شده است.

به نظامیان صهیونیست به منزله ناکارآمدی تدابیر حمله حزب الله امنیتی اسرائیل نیز بوده و کارکرد گنبد آهنین را زیر سوال می برد.

در حالی که سامانه های دفاع موشکی اسرائیل تنها بخش های شمال موشک و حداکثر مرکز اراضی اشغالی را پوشش می دهند، حزب اهایی دارد که مناطقی را در جنوب اراضی اشغالی هدف می گیرند.

با توجه به افزایش قدرت تهاجمی علاوه بر این نیروهای حزب الله این گروه می توانند از طریق مرزهای لبنان و سوریه به اراضی اشغالی نفوذ کرده و در درگیری احتمالی آینده بیش از پیش اسرائیل را تهدید کنند. گزارش سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل حاکی است نبرد در فراهم کرده است. جبهه سوریه چنین امکانی را برای حزب ا اسرائیل هر چند تجربه حمله به نوار غزه و تخریب تونل های حماس برای جلوگیری از نفوذ نیروهای مقاومت را دارد، اما این تجربه نمی تواند نقطه قوتی برای این رژیم در جنوب لبنان به شمار رود. زیرا ارتفاعات این منطقه به سیستم های اطلاعاتی اسرائیل اجازه نمی دهد به راحتی از وجود چنین تونل هایی باخبر شوند، موردی که به یکی دیگر از نگرانی های اسرائیل تبدیل شده است.

در کنار این توانایی ها، وجود سنگرهای زیر زمینی و مراکز حزب الله در بیشتر روستاهای مرزی جنوب لبنان امکان موفقیت حملات جنگنده های اسرائیل به این مناطق را کاهش داده است. با توجه به این توانایی ها، اسرائیل برای مقابله با قدرت تهاجمی حزب الله باید علاوه بر تقویت قدرت بالفعل خود از جمله استقرار سامانه های دفاع موشکی بیشتر، از قدرت بالقوه خود نیز استفاده کرده و

نیروهای ذخیره ارتش را فراخواند. در شرایطی که کار در میدان نبرد برای اسرائیل دشوار شده، این رژیم در صورت نفوذ نیروهای باید آماده رو در رویی با آنها در اراضی اشغالی شود. ،حزب الله و اما در ادامه به آغاز حمله اسرائیل به لبنان، تشکیل حزب ا جنگ ۳۳ روزه لبنان می پردازیم. پس از اخراج یاسر عرفات و سازمان فتح از اردن بخشی اعظم از نیروهای آن در لبنان متمرکز و این کشور از سال ۱۹۷۱ به بعد به محل استقرار نیروهای فتح و بالطبع مرکزی برای انجام عملیات بر علیه اسرائیل شد نیروهای سازمان آزادی بخش با عبور از مرز به انجام عملیات بر علیه اسرائیل می پرداختند در ادامه این عملیات سبب خشم اسرائیل شده بود و خصوصا که نیروهای سازمان آزادی بخش شیوه جدیدی را ابداع نموده بودند و با استفاده از قایق و از طریق دریا خود را به سواحل شهرکهای مسکونی اسرائیل می رساندند و در آنجا اقدام به عملیات می نمودند. ادامه این وضعیت باعث خشم اسرائیل شده و بهانه لازم را جهت حمله اسرائیل هموار کرد.

حملات بی محابا و بدون برنامه ریزی و اغلب کور سازمان آزادی بخش، بهانه لازم را جهت یورش همه جانبه اسرائیل لبنان در سال ۱۹۸۲ به دست این رژیم داد. جنبش اول که توسط امام موسی صدر در دهه ۱۹۷۰ تشکیل شده بود جزو قدیمی ترین گروه های مسلح لبنان بود که پس از شهادت امام موسی صدر، رهبری جریان امل را شهیدچمران به دست گرفت. پس از آن نیز سید عباس موسوی و در نهایت در اوایل نوبه بری به رهبری جنبش امل منسوب گردید. گروه حزب الله سال های ۱۹۸۰ و با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی سید روح الله خمینی در لبنان ظهور کرد. در زمان جنگ داخلی لبنان، حزب الله لبنان به کمک سپاه پاسداران ایران، تعلیم نظامی داده شده و تحت حمایت مالی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. خود را شاخه مقاومت اسلامی در لبنان بخش نظامی حزب الله می داند و با هدف های مختلف از جمله تشکیل حکومت اسلامی به پس از ترور شدن سید عباس فعالیت می پردازد.سید حسن نصرالله موسوی به دست نیروهای نظامی اسرائیلی در سال ۱۹۹۲ میلادی به به صورت لبنان رسید. سید حسن نصرا مقام دبیر کلی

حزب الله علنی اعلام کرده است که بودجه و هزینه و خرج و خورد و خوراک از جمهوری اسلامی ایران می رسد. و سلاح و موشک های حزب الله لبنان پس از سال ها جنگ چریکی موفق به آزاد کردن جنوب حزب الله لبنان از اشغال اسرائیل در سال ۲۰۰۰ شد. این گروه پس از آن به فعالیت های سیاسی خود تحرک بیشتری داده و به کابینه و مجلس فعالیت لبنان راه یافت. پس از خروج اسرائیل در سال ۲۰۰۰، حزب الله های گسترده ای را بر علیه اسرائیل پایه ریزی نمود. طی سال ۲۰۰۰ تا بر علیه اسرائیل انجام داد. جنگ ۲۰۰۶ بیش از ۲۰۰ عملیات را حزب الله در گرفت. این ۳۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ میان اسرائیل و حزب الله جنگ به عنوان جنگ ژوئیه، حرب تموز در بین اعراب و جنگ دوم در اسرائیل نام برده می شود. این درگیری در کل سی و چهار روز به طول انجامید و محل وقوع درگیری شمال اسرائیل و بین نیروهای لبنان به همراه شبه نظامی اسرائیل از یک طرف و جنبش حزب الله از نظامیان فلسطینی متحد آن و دیگر گروه های متحد حزب الله سوی دیگر در گرفت. کشمکش و چالشی که مدتها بود میان رژیم در گرفته بود در سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسید صهیونیستی و حزب الله و منطقه را شدیداً ملتهب و حوادث دچار ناگواری نموده بود. در سال به موشک و راکت های بلندی که از ایران ۲۰۰۶ با دستیابی حزب الله دریافت نموده بود این گروه نیست اقدام به حمله به شهرهای اسرائیل مانند حیفا می کردند و این باعث شده بود که تلفات غیر نظامی اسرائیل بالا رفته و افکار عمومی دولت اسرائیل را برای انجام عکس و العمل قاطعی زیر فشار قرار داده بود. البته درگیری بین حزب الله اسرائیل خصوصا این اواخر یک پدیده عادی و روزمره است ولی آنچه به داخل این ماجرا را شاخص می کرد این بود که رزمندگان حزب الله خاک اسرائیل نفوذ کرده و در نزدیکی شهرکی مسکونی موفق به اسیر گرفتن اسرائیلی ها شده بودند که این به نوعی قدرت نمایی حزب الله بود که باعث از بین رفتن وجهه نظامی اسرائیل شده بود.

و در پایان
﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَبِيلَةٍ
غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

سنصلی فی القدس...



ویژه نامه روز جهانی قدس

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر
سال دوم / شماره هشتم / خردادماه ۹۹

حرکت های عدالت خواهی و آزادی خواهی فلسطینیان و انتفاضه

همواره برای ملت نیجریه الهام بخش بوده

سهیلا زکراکی
دختر شیخ ابراهیم زکراکی رهبر شیعیان نیجریه

همواره یکی از دغدغه های مهم شیخ زکراکی، مسئله قدس و فلسطین بوده است. شیخ همواره در راهپیمایی ها و تظاهراتی که درباره فلسطین در نیجریه برگزار می شده، حضور داشتند، و همانطور که می دانید، من ۳ برادر خود را در راهپیمایی روز قدس از دست داده ام.

قدس آرمان مشترک همه مسلمانان جهان است. مسلمانان نیجریه نیز همواره در راهپیمایی ها و تظاهرات مربوط به مسئله فلسطین شرکت میکنند و خشم و نفرت خود علیه ظالمان و مستکبران جهانی را به منصفه ظهور می رسانند. حرکت های عدالت خواهی و آزادی خواهی فلسطینیان و انتفاضه قدس همواره برای ملت نیجریه الهام بخش بوده است و ان شاءالله که بزودی شاهد آزادی قدس شریف باشیم.

طلیعه نکبت

در پیشبرد اهداف صهیونیستی از زمان ترسیم پرچم اسرائیل تا تشکیل دولت یهود، پس از ۳۰ سال از اعلامیه بالفور نمود غیر قابل انکاری داشت. به طوری که ماکس نوردو و از بنیانگذاران صهیونیسم، یهودیان امریکا را تنها امید صهیونیسم می داند. و نوآمی کوهن نویسنده برجسته تاریخ یهود تولد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ را بدون حمایت مالی و فشار سیاسی یهودیان امریکا امکان پذیر نمی دانست. در واقع اعلامیه بالفور را می توان هزینه ای در نظر گرفت که لندن آماده پرداخت آن بود تا از این طریق یهودیان امریکا را متقاعد کند که با استفاده از نفوذ خود، ایالات متحده را وارد جنگ کنند و همچنین یهودیان روسیه را به متفقین وفادار نگاه دارند.

فارغ از تمامی این حمایت ها و پشتیبانی های دولت های مختلف که در صدر آن ایالات متحده آمریکا قرار دارد ایرادات حقوقی بسیاری نیز بر این بیانیه واهی وارد است از جمله:

اعلامیه بالفور در زمانی صادر شد که جمعیت یهودیان در فلسطین با بالاترین برآورد و پس از نزدیک به ۳۰ سال مهاجرت غیر قانونی در دوره امپراتوری عثمانی به کمتر از ۸درصد از کل جمعیت فلسطین می رسید و این اولین و کافی ترین دلیل بر بطلان حقوقی این اعلامیه است.

این اعلامیه به لحاظ مختلف از نظر اصول و قواعد بین المللی بی اعتبار است. اولاً در مورد سرزمینی صادر شده است که انگلستان نه تنها هیچ گونه حاکمیتی بر آن نداشت، بلکه در تاریخ صدور آن حتی از نظر نظامی نیز تحت کنترل این کشور نبود. فلسطین در آن زمان هنوز رسماً بخشی از امپراتوری عثمانی بود. ثانیاً اعلامیه بالفور مسلماً با وعده ای که انگلستان در مورد استقلال سرزمین های عربی قبل و بعد از صدور آن داده بود، تعارض داشت.

ثالثاً سرنوشت فلسطین در تعامل با یک سازمان سیاسی (سازمان جهانی صهیونیسم) تعیین می شد که هدف اعلام شده آن استقرار بیگانگان در فلسطین بود. این امر چیزی جز نقض آشکار حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین نیست. چه هدف اصلی ایجاد یک وطن ملی یهود باشد و چه ایجاد یک کشور یهودی. دلیل و منطق بالفور در نقض حقوق فلسطینیان جالب توجه است وی اظهار می دارد:

« ما در نظر نداریم در فلسطین حتی جویای نظر ساکنان فعلی آن کشور بشویم »

وقاحتی که در خصوص تحت قیمومت قرار دادن فلسطین با آن سابقه تمدنی، فرهنگی و مذهبی مرتکب شد و با زور و اسلحه و کشتار و اخراج، با همدستی میلششیای یهودی در سراسر دوره قیمومت، سرزمین فلسطین را پاکسازی قومی کردند.

این ها فقط ایرادات حقوقی بسیار واضح و مبرهنی است که بر این بیانیه واهی وارد است و دلایل دیگر در این مقال نمی گنجد.

در حال حاضر که نزدیک به ۷۲ سال از یوم النکبه و سالروز به رسمیت شناخته شدن اسرائیل در جامعه بین الملل می گذرد همچنان مردم سرزمین زیتون و ملت های آزاده خاور میانه خواهان بازگشت تمامیت ارضی فلسطین و نابودی رژیم اشغالگر قدس هستند و در این راه چه جانفشانی هایی که انجام نشده است و چه خون بها هایی داده نشده است از کودک سه ساله ای که اولین روزهای راه رفتنش بر سنگ فرش های سرزمین مادری اش را می گذرانند و کمی بعد از اینکه اولین قدم هایش را در خیابان های فلسطین بر می داشت به ضرب گلوله غاصبان قدس پر پر شد تا دیگر کودکانی که هیچ گاه نتوانستند پدرشان را ببینند و همواره زیر سایه غاصبین سرزمین مادری شان بوده اند و تمام زندگی شان را وحشت و خشم درنوردیده. و قطعاً وعده خدا پیروزی مستضعفین و ﴿إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌ﴾ اما همه شان به این آیه مبارکه قرآن اعتقاد راسخ دارند که نصرت مسلمانان و آزادی قدس است. والسلام علیکم و رحمہ الله و برکاته



ساموئل آنترمایر یهودی اشکنازی ساکن در امریکا تنها مدت اندکی پس از انتخاب ویلسون به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده در سال ۱۹۱۳ طی یک ملاقات با او، حاضر شد حق السکوت زنی که مدعی داشتن رابطه نامشروع با ویلسون به عنوان استاد در دانشگاه پرینستون را داشته است، بپردازد و در عوض در قبال این حق السکوت سنگین، فرد مورد نظر آنترمایر را به عنوان ریاست دیوان عالی ایالات متحده منصوب نماید. این فرد کسی جز لوئیس براندیس رئیس کمیته اجرایی امور صهیونیسم در ایالات متحده نیست که در سال ۱۹۱۶ در این پست گمارده می شود. یک سال بعد مانشین جنگی روچیلدها به خاطر پیشنهاد صلح آلمان با شدت هر چه تمام در امریکا به تکانو افتاده است و تبلیغات ضد آلمانی را در سراسر رسانه های گروهی امریکا منتشر می کند. این شرایط رئیس جمهور را مجبور می کند تا تحت اوامر قاضی یهودی دیوان عالی کشور، یعنی لوئیس دمیتز براندیس از وعده خود به رأی دهندگان عدول کرده و در تاریخ ششم آوریل، امریکا را درگیر جنگ اول جهانی نماید؛ لرد کاوندیش هم در این مورد اعتقاد دارد که دولت انگلیس بر این باور بود که صهیونیست ها تا حدودی در انجام این اقدام دخالت داشته اند... در اواخر همین ماه آرتور بالفور به ایالات متحده سفر می کند تا نسبت به اجرای اقدام بعدی زمینه لازم را فراهم کند. دیدار او هم با یهودیان و هم با لوئیس براندیس تدارک دیده شده بود.

سوکلوف تاریخ نویس صهیونیست نقش لوئیس براندیس را ستوده و عده زیادی، از نفوذ فراوان او بر رئیس جمهور می گویند و او را اولین یهودی متنفذ در کاخ سفید برمی شمارند. براندیس پس از سفر بالفور هم در متقاعد کردن یهودیان و هم لابی در کاخ سفید نسبت به اعلامیه بالفور نقش محوری داشت؛ اگرچه برخی از این مخالفت ها کماکان در یک سطح قابل توجهی وجود داشت.

به رغم این، مواضع قدرت دولت و یهودیان امریکا

نیست جز آرتور آیا؟ بالفور اما جای سوال است که چرا بالفور به این حد و اندازه مشتاق ایجاد دولت مستقل برای یهودیان بوده است بالفور تحت تاثیر آرمان ها و اندیشه های یهود قرار گرفته بود و با منویات صهیونیسم انس و الفت برقرار کرده بود یا به دنبال راه و چاره ای بود برای خروج یهودیان از انگلستان ؟

هنوز پاسخ قطعی برای این پرسش پیدا نشده است شاید بتوان بالفور را یکی از عجیب ترین سیاستمداران تاریخ دانست که این گونه طی بیانیه ای خودسرانه مسیر و تاریخ یک ملت را تغییر داده است ملتی که در طول تاریخ همواره شهره به نجابت و مردانگی بوده است و مردمان سرزمینی اند که از قدیم الایام همواره نماد صلح بوده و روزگاری مهیط وحی.

اما از اینها که بگذریم بی تردید دولت بریتانیا و شخص بالفور یکه و تنها قادر به ایجاد سرزمین مشخص برای یهودیان ۱۰ نبوده است و این کار مستلزم حمایت و پشتیبانی دیگر دولت ها بوده است. از این میان می توان به نقش دولت ایالات متحده آمریکا اشاره کرد.

ویلسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده به همان قدر به صهیونیسم کم میل بود که یهودیان ایالات متحده. پس در اینجا دو محور باید فعال شود اول دولتمردان امریکایی و دوم لابی یهود در این کشور. انگیزه اصلی انگلیس برای صدور اعلامیه بالفور کشاندن سرمایه یهودیان به صحنه جنگ جهانی اول با مدیریت دولت امریکا بود و ویلسون این را دریافته بود و به نیات انگلیس در حمایت از صهیونیسم شک داشت. او نسبت به فلسطین یهودی متقاعد شده بود اما فلسطین انگلیسی را قبول نداشت. از سوی دیگر نمی خواست فلسطین یهودی نشین را با اولویت های صهیونیست های امریکایی منطبق سازد.

این فضا منجر به تردید ویلسون گردید که گله مندی صهیونیست های امریکایی را فراهم ساخت. ولی لابی یهود از پیش فکر این احتمال را کرده بود.

یوسف ربانی

کارشناسی حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

اگر بخواهیم به یکی از ریشه های اصلی به وجود آمدن اسرائیل و روی کار آمدن این رژیم خبیث اشاره کنیم بدون شک اعلامیه بالفور از اهم این دلایل است.

به لحاظ تاریخی اعلامیه مذکور در سال ۱۹۱۷ و در اواخر جنگ جهانی اول توسط آرتور بالفور وزیر خارجه وقت بریتانی خطاب به والتر روتشید سیاست مدار یهودی تبار و عضو مجلس عوام بریتانیا نوشته شد و در آن از موافقت دولت بریتانیا نسبت به ایجاد خانه ملی برای یهودیان در سرزمین فلسطین خبر داده شد. در خلال جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۲۲ که امپراتوری ۶۰۰ ساله عثمانی از میان رفت، قدرت ها طی برپایی کنفرانس ها و معاهدات و پیمان هایی همچون معاهده یا توافق سایکس پیکو، ورسای، کنفرانس صلح پاریس یا سان رمو برای خود قلمرو جدیدی از میراث عثمانی تعریف می کردند. در این میان انگلیس یا بریتانیای کبیر آن زمان، با سابقه حضور مفصل یهودیان در آن دیار، داشتن یک وطن ملی برای یهودیان را تضمین کرد. در واقع اعلامیه بالفور در نوامبر ۱۹۱۷ ، نتیجه فرآیند یک دوره ۲۰ ساله از ۱۸۹۷ زمان برپایی کنفرانس بال سوئیس بود که سران صهیونیسم با به کارگیری اهرم های مالی، سیاسی و دیپلماتیک خود، فرآیند صدور اعلامیه بالفور را تکمیل کردند.

اعلامیه بالفور از موافقتنامه سایکس پیکو ناشی شد، ولی اهمیتش از نظر تاریخی بسیار فراتر از آن بود. به راستی مشکل بتوان سندی یافت که بتواند چون این سند، خودسرانه مسیر تاریخ را تغییر دهد. صدور اعلامیه بالفور در اصل محصول گرایش متقابل جنبش صهیونیسم و امپریالیسم بریتانیا به جانب یکدیگر بود. مهم ترین شخصیتی که در پیشبرد این بیانیه نقش موثر و بسزایی داشته بدون هیچ شک و تردیدی کسی



محمدحسین بهزادفر
کارشناسی حقوق

نیم نگاهی به «ادب المقاومة»

از گذشته های دور، هر کجا که ظلمی بوده، یا در برابرش سازش و تسلیمی بوده، یا مقاومتی تمام عیار. دوگانه سازش یا مقاومت، دوراهی سختی بوده است که هر مظلومی می بایست یکی از آن دو را انتخاب می کرده و تا انتهای عمر، با اثرات انتخاب خویش کنار می آمده است. ذلت یا عزت. و چه بسا که اگر طریقی مقاومت را بر می گزید، ممکن بود عمرش دیگر به درازا نکشد و ظالم امانش ندهد. تمام درون مایه ادبیات مقاومت، یا همان که ما به ادبیات پایداری می شناسیم اش، همین است. انتخاب مقاومتی عزتمندانه در برابر هر ظلمی از جانب هر ظالمی. پس لزوما قلمرو ادب پایداری، به سرزمین برگ های سبز زیتون، منحصر نمی شود، بلکه هر واژه ای که در رئای شهید مقاومتی ردیف شود، یا هر کلامی که تأثیرش، شور ظلم ستیزی را در وجدان بیداری برانگیزد، متعلق به ادب مقاومت است. چه گوینده اش سیاه پوستی در گوشه کلبه ارباب ستمگرش باشد، چه درمانده آواره از وطنی که دلش برای خاک پاک خودش تنگ شده باشد. سوژه ادب مقاومت، انسان است. انسان، بما هو انسان.

اما از آن حیث که چند دهه می گذرد که ایادی زور و فتنه صهیونیست، قدس شریف را تکه تکه کرده اند و مردمش را کشته اند و کودکانش را آواره کرده اند و زیتون هایش را خشک؛ فلسطین به سوژه نخست ادبیات پایداری جهان تبدیل شده است. در این یادداشت مختصراً به معرفی دو چهره ارزشمند ادب المقاومة می پردازیم و نگاهی گذرا به نمونه آثارشان می اندازیم.

ابتدائاً ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که برای نخستین بار نویسنده معاصر اهل فلسطین، «غسان کنفانی» مجموعه ای از شعرها و داستان های شاعران و نویسندگان معاصر فلسطینی را «ادبیات مقاومت فلسطینی» نام نهاد؛ بدین ترتیب ادبیات مقاومت یا ادب مقاومت به بین ادبای عرب و سپس در سراسر دنیا متداول شد.

به احتمال زیاد مشهورترین و پراوازه ترین شاعر ادبیات پایداری فلسطین، باید «محمود درویش» باشد. محمود درویش در ۱۳ مارس ۱۹۴۱ در روستای البروه در شرق شهر عکاء در فلسطین به دنیا آمد. شش ساله بود که طعم آوارگی را چشید. اسرائیلی‌ها دهکده او را آتش زدند و درویش به همراه خانواده اش به لبنان پناهنده شد. البته پس از مقاومت‌های بسیار ساکنان منطقه، دهکده «بروه» از دست اسرائیلی‌ها خارج شد، اما هنگامی که اهالی دوباره به آن وارد شدند، همه چیز در آن نابود شده بود. درویش سال های زیادی از عمرش را در قاهره، بیروت، تونس و پاریس و دور از وطن خود و به تبعید سپری کرد. او سرودن

فاطمه موسوی
کارشناسی روانشناسی

نقش جریان دانشجویی در حمایت از فلسطین و قدس در افق نگاه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، دانشجوی نه تنها یک قوه محرکه برای عموم مردم بلکه یک عنصر فعال جهانی است. این عنصر در کنار تمام وظایفی که برایش مطرح گردیده، باید دید و افق جهانی داشته باشد. باید مسیر تحصیل علم خود را قطعه ای از پازل جهانی مخالفت با استعمار و استبداد قلمداد کند و با شجاعت تمام و در عین حال ایمان قلبی به نصرت خداوند در جهت فاش کردن خیانت ها و جنایت های استعمار گران و پیروان بی فرهنگ آنها شب را از روز شناسد. و این

مشکل ما با اسرائیل فراتر از اشغال جغرافیای فلسطین است

سید عبدالملک الحوثی
رهبر انصار الله یمن

رژیم صهیونیستی، سرزمینی اسلامی را اشغال کرده و همچنین بخش‌های دیگر از کشورهای اسلامی دیگر را تصرف کرده و ملت ما، متحمل اشکال مختلف ظلم و ستم از سوی این رژیم شده‌اند. مسئله قدس از ابتدا تا امروز در سطح خطراتی که با آن روبه‌رو است، مورد توجه نبوده است.

نبود یک طرح و برنامه نزد امت اسلام سبب طمع‌ورزی دشمنان شده است و این سبب می‌شود ما به منشأ مشکلی که امت در آن گرفتار شده است نگاهی بیندازیم. قرآن کریم استراتژی یهود و وسایل و ابزارهایی را که آنها در هدف قرار دادن امت اسلام بر آن تکیه می‌کنند، فاش کرده است

ادب المقاومة

را از زمانی که دانش آموز بود، آغاز کرد. در سال ۱۹۶۰ نخستین مجموعه آثار او در زمانی منتشر شد که فقط نوزده سال سن داشت. درویش با انتشار دومین مجموعه شعرش به نام برگ های زیتون (اوراق الزیتون) در سال ۱۹۶۴، به عنوان یکی از شاعران پیشگام شعر مقاومت شناخته شد.

بسیاری از شعرهای محمود درویش به شکل سرود هایی عمومی و آواز هایی محبوب در آمده‌اند. درون مایه اغلب آثار او سرنوشت نامعلوم وطن خویش است که با چاشنی عشق و سیاست همراه شده است. محمود درویش در اوت ۲۰۰۸ در پی عمل جراحی قلب در تگزاس آمریکا در گذشت. سخن درباره این شاعر نامور فلسطینی را با جمله ای از استاد شفیعی کدکنی به پایان می بریم که درباره او می‌نویسد: «گر یک تن را برای نمونه بخواهیم انتخاب کنیم که شعرش با نام فلسطین همواره تداعی شود، او محمود درویش است.»

و اینک نمونه کوتاهی از اشعار درویش:

(بیت شعر زیر را محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در بخشی از سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل خواند که مورد توجه حاضران قرار گرفت.)

«واقفون هنا، قاعدون هنا، دائمون هنا، خالدون هنا، و لنا هدف واحد، واحد، واحد، واحد ان نکون؛ و سنکون…!»

«اینجا می ایستیم، اینجا می نشینیم، اینجا دائمی هستیم، اینجا ابدی هستیم، و همه ما یک ، یک و فقط یک هدف داریم؛ اینکه هستیم و اینکه خواهیم بود.»

✽ چهره دیگری که قصد داریم به اختصار او را معرفی کنیم، شاعر درد کشیده سوری است: نزار قبانی. شاعری که گرچه به اشعار بی بدیل عاشقانه اش شهرت دارد، اما علاوه بر بیان احوال و درد های شخصی، هیچ گاه از دور و اطراف خود غافل نبوده است و اشعار نغزی را نیز پیشکش ادبیات پایداری فلسطین کرده است. البته اشعار این چینی او، منحصر به فلسطین نیست؛ به صوت و قلم او اشعاری در مدح حضرت امام و انقلاب اسلامی مردم ایران نیز وجود دارد.

نزار توفیق قبانی متولد ۲۱ مارس ۱۹۲۳ در شهر دمشق سوریه است. جوان دانشجوی دانشکده حقوق دمشق که بعدها به شاعر زن و عشق معروف شد. درون مایه غالب اشعار نزار، عشقی است خالصانه به زن. برخی گفته اند این توجه شایان او به زن، ناشی از دو حادثه مهم زندگی اوست؛ اول خودکشی خواهر ۲۵ ساله او بر اثر یک ناکامی عاطفی در حالی که نزار تنها ۱۵ سال داشت و دیگری کشته شدن همسر محبوب او، بلقیس الراوی در حادثه بمب گذاری سفارت بغداد در شهر بیروت در سال ۱۹۸۱. اما آنچه در این یادداشت مورد توجه است، اشعار حماسی اوست در باب فلسطین.

در اشعار حماسی نزار قبانی، فلسطین و به ویژه قدس، یکی از موضوعات پر تکرار است. شاعر از قدس به عنوان آرمان

شهری یاد می‌کند که روزگاری محل قدم زدن پیامبران بوده است و حالا در میان خون و آتش نفس می زند. شاعر آرزو دارد که روزی در تاریخ برای بازگشت ایام خوش گذشته ثبت شود. اشعار قبانی درباره فلسطین را می‌توان به دو وجه حماسی و غیر حماسی دسته بندی کرد. قبانی در اشعار غیر حماسی خود، با استفاده از واژگان، طنین آرام و توصیف خاطرات تلخ گذشته را به یاد می آورد. آنچه که در این دسته از اشعار به وضوح دیده می شود، اعتراض شاعر به عملکرد سران عربی و در خواب غفلت بودن آنهاست و در نهایت ناله سر می‌دهد از سازش تلخی که برای فلسطین به ارمغان آورده‌اند. او در این دسته از اشعار، فلسطین را خانه خود می‌داند و همانند یک فلسطینی داغدار برای از دست دادن پیکر مادر وطنش ناله سر می‌دهد. نمونه زیر از زیباترین اشعار او درباره فلسطین است:

«ای قدس! چنان گریستم که اشک‌هایم خشکید، چندان نیایش کردم که شمع‌ها خاموش شد، چندان به رکوع رفتم که بیش طاقتم نمانده است، در تو از محمد صلوات الله علیه پرسیدم، و از مسیح. ای قدس! ای شهری که رایحه پیامبران را می‌پراکند. ای کوتاه‌ترین راه میان آسمان و زمین! ای قدس! ای مناره آیین‌ها. ای کودک زیبای انگشت سوخته! چشمانت اندوهبار است، ای شهر زهرای بتول؛ ای سایه‌سار سبز، که بر آن گذر کرده حضرت رسول…! سنگ‌های خیابان اندوهگین اند، و گلدسته‌های مساجد نیز.

ای قدس! ای شهر من… فردا درخت لیمو شکوفه خواهد داد، و خوشه‌های سبز و زیتون‌ها شادمان خواهند شد، و دیدگان لبخند خواهند زد. ای شهر من! ای سرزمین صلح



و آنچه چه که هست و باید گفت جای تأسف هم دارد عینک های سکولاری است که بر جوارح عقل ومنطق بشریت پوشانده شده است. لازم به ذکر است که میان بیان آزاد آرمان حمایت از قدس و فلسطین، و تفسیر سکولار از این مسئله فرسخ ها فاصله است. و تبیین چهارچوب و مرز های این تعابیر از حیطه این یادداشت خارج است. چه بسا که گردهمایی و تشکیل مجمع هایی با حضور دانشجویانی از هر نوع عقیده(موافق ومخالف) و با ملیت های متفاوت بتواند طرحی عمیق با چهارچوب بندی جهانی را برای این مهم، فراهم آورد. که البته پیش از این گردهمایی ترسیم الگوهای اصیل آزاد نقش کلیدی را در جبهه گیری های دانشجویان فراهم خواهد آورد.

معظم رهبری، مسئله قدس صرفاً یک مسئله دینی نیست و قابلیت طرح جهانی دارد. دین اگر چه رکن زندگی، رکن اجتماع، رکن سیاست و فرهنگ است اما برخی از مردم جهان به هر دلیلی این رکن را نادیده گرفته اند. دین از اصل و اساس مخالف ظلم و استکبارگری است اما برای چشمی که دین را چراغ راه نیافته باید از دغدغه های خودش حرف زد و یا با توجه به نیاز هایی که دارد برایش دغدغه ایجاد کرد. فلذا برای جریانات دانشجویی این نکته بسیار مهم است که باید برای مردم جهان با زبان خودشان اهمیت و ضرورت مسئله قدس را تبیین کنند. دانشجویان باید به این روشن بینی رسیده باشند عمل دینی و مذهبی صرفا به نمادسازی های مذهبی نیست و مطلق استکبارستیزی در هر ادبیات و با هر شکل و شمایلی فریضه دینی است.

ویژه نامه روز جهانی قدس

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر
سال دوم/شماره هشتم/خردادماه ۹۹

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

مدیرمسئول: مهدی خطیب‌دماوندی

تحت‌نظر شورای سردبیری

دبیر تحریریه: علی یزدی

طراح و صفحه آرا: مریم کیانی‌پژوه

هیئت تحریریه:

زهراسستکی، سیدمهدی اسم‌حسینی، حکیمه امینی، سیدمحمدعلی باقری، محمدحسین بهزادفر،

کیمیا بیدرام، راضیه راستکوه، یوسف ربانی، بهاره قلندرنژاد، ابوالفضل محرمی، فاطمه موسوی،

فاطمه ناده‌علی‌زاده، علی هداوند، علی یزدی

ارتباط با ما: @Contact_BasijSBU



مطالب و آراء مندرج

در دوهفته‌نامه سیاسی

دانشجویی هفت‌تیر

بیانگر دیدگاه‌های

نویسندگان آنهاست.

قدس در باورما جاویداست

ابوالفضل محرمی

دانش آموخته فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم

آنچه در این عالم همیشه بوده و هست تقابل جبهه حق و باطل است. تقابل مستضعفان و مستکبران، اسلام و کفر، نور و ظلمات.

از تقابل هابیل و قابیل تا بنی هاشم با بنی امیه و بنی عباس.

این تقابل اجتناب ناپذیر است اما وعده الهی بر این است که پرچم حق برافراشته و عالم گیر خواهد شد.

﴿بَلْ نَقْذِرُ بِالْحَقِّ عَلَی الْبَاطِلِ فِیدَمْعَه فَاذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾

امروز فلسطین عزیز جبهه تقابل حق و باطل است. سرزمین مقدسی که بشارت داده شده که خداوند این سرزمین را برای مستضعفانی تقدیر کرده است که در جهت اهداف الهی و اجرای قوانین آسمانی صبوری و مقاومت پیشه کنند

آنجا که میفرماید:

﴿وَأَوْزَنَّا الْقَوَومَ الَّذِینَ کَانُوا یَسْتَضَعُّونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِی بَارَكْنَا فِیْهَا﴾

طبق آیات و روایات صبر و مقاومت ملت مظلوم شرط پیروزی است. همانگونه که رهبری معظم فرمودند اگر ملت‌ها ایستادگی کردند هیچ نیروی نظامی‌ای نمی‌تواند بر ملتی که مرعوب نیست و حاضر است از شخصیت و هویت و عزت و آینده خود دفاع کند مسلط شود. ملت فلسطین پر امید است و به ملت‌های دیگر امید می‌دهد.

آنچه ما را در مقابل دشمن متمایز می‌کند ایمان بخدا و تعبد در مقابل فرمان الهی است. ما مبارزه و جنگ را جهاد فی سبیل الله می‌دانیم. حکومت مستضعفان وعده قطعی ذات اقدس اله است و غایت شکل‌گیری نظام مهدوی در این امر خلاصه می‌شود.

خون مبارک زنان، مردان و کودکان فلسطینی تضمین شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و چه باکی از مرگ در این راه که همه اش زیباییست ﴿السنا علی الحق﴾ اگر این جبهه حق است هر مقدری خوشایند است و ما ایمان داریم که وعده الهی تخلف ناپذیر است.

نهضت آزادی قدس با نام خمینی کبیر جان تازه‌ای پیدا کرد و فریاد پیر خمین همچون رعد پیکر صهیون را لرزاند. با قیام خمینی یک امت واحد شکل گرفته که مسئله اول آن آرمان فلسطین است. شکل‌گیری انقلاب اسلامی که انقلاب پابرهنگان برای سرنوشتی مستکبران بود آغازگر و زمینه‌ساز پیروزی همه حق در برابر تمام باطل است. غایت این انقلاب زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. القدس لنا یعنی قدس برای همه مسلمین است. قدس شریف اول قبله ما مسلمانان باید به ما برگردد. یهود صهیون آرزوی شکل‌گیری تمدن باطل رود تا رود را باید با خود به گور ببرد. ملت مسلمان دنیا چه شیعه چه سنی تا رهایی کامل در کنار مظلومان فلسطینی است. این سیره ماست ﴿کونا للظالم خصما وللمظلوم عوناً﴾ ما این مکتب را داریم خصم ظالمیم و عون مظلومیم.

رزمندگان اسلام در هر جبهه‌ای جهاد کردند به نیت آزادی قدس شریف بود. شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد تنها یک شعر و شعار نبود بلکه یک عقیده، ایمان و باور بود. ما با نام حسین بن علی علیه السلام از دم عشق نفس میگیریم.

آزادی قدس در حقیقت خونبهای شهیدان مقاومت است.

از امام موسی صدر و سید عباس موسوی تا حاج عماد مغنیه.

از حاج احمد متوسلیان تا حاج قاسم سلیمانی.

انتقام خون شهیده رزان التجار و تمام شهدای گمنام آرمان فلسطین تنها با آزادی قدس شریف محقق می‌شود و این پرچم سرخ قیام حسینی بلند خواهد بود تا روزی که پرچم سبز مهدوی بر قدس شریف به اهتزاز در آید.

گذشت آن دورانی که صهیونیست‌ها در مقابل وحشی‌گری و یاغی‌گری خود نسبت به ملت مظلوم فلسطین عکس‌العملی دریافت نکنند. دوران بزن در رو تمام شد.

ما از آرمان والای فلسطین دست نمی‌کشیم چرا که به فرموده پیر و مرادمان فلسطین عزیز پاره تن اسلام است.

صحبت از آرمان فلسطین و دفاع از مظلومان این سرزمین مقدس عدالتخواهی در گستره یک امت است.

ایستادگی در مقابل دشمن را از ولایت آموخته ایم. از نمونه کربلا تا امامزاده‌هایی که در سخت‌ترین شرایط مقاومت کردند و به شهادت رسیدند. از علی بن موسی ولی نعمتمان که با یک سیاست الهی به نبرد دشمن رفت تا موسی بن جعفر و ابناء الرضا علیهم السلام که سالیان دراز رنج تبعید را تحمل کردند. ما اینها را در مکتب انسان ۲۵۰ ساله آموخته ایم و می‌دانیم که این مقاومت ما را به پیروزی می‌رساند.

✽قدس در باور ما جاوید است✽

رژیم صهیونیسم مسئله‌ای برای فلسطین یا جهان اسلام؟

که نفوذ بالای داشتند کمک می‌گردد و در

ازای این کمک انگلیس موافقت خود را برای ورود یهودیان به مناطقی از فلسطین که تحت اشغال انگلیس بود اعلام کرد که نتیجه

این توافق بیانیه بالفور است بالفور سند نیرنگ انگلیس به اعراب بشمار میرود به شکلی که انگلیس به اعراب وعده داده بود

که اگر در مقابل عثمانی دشمن او در جنگ ایستادگی کنند به آنها کمک خواهد کرد تا دولتی مستقل برای خود تشکیل دهند

اما بر خلاف این گفتمان‌ها به طور پنهانی بالفور را امضا میکند و بعد‌ها به طور علنی منتشر میشود البته ابتدا قرار بود ضمن رسمی دانستن حضور یهودیان احساسات

اعراب تحریک نشود به طور کامل حقوق آنان نادیده گرفته نشود اما آنچه بعد‌ها از روند عملکرد آنها مشخص شد این بود که

جز به اشتغال تمام عیار فلسطین و اخراج کامل مسلمانان رضایت نمیدهند

و علاوه بر این نباید نا دیده گرفت کمک به یهودیان برای انگلیس تضعیف دولت عثمانی در فلسطین را نیز در پی داشت

اما اوضاع در اروپای شرقی شکل متفاوتی با اروپای غربی داشت در روسیه این احساسات ملی‌گرایانه بیشتر شکل خود برتر بینی

داشت و یهودیان ساکن در این مناطق راه مقابله با این برخورد‌ها را درپیش گرفتند

که منجر به دشمنی روسیه و کشورهای اروپای شرقی شد

یهودیان برای نجات خود مجبور به مهاجرت به اروپای غربی و امریکا شدند

اروپای غربی برای جلوگیری از سیل مهاجرت به مرزهایش اوضاع را مناسبی برای اجرای پروژه صهیونیسم دید و از آن حمایت کرد

در کنار تمام این اتفاقات دولت عثمانی در فلسطن ضعیف شده بود و این فرصت خوبی برای کشورهای غربی بود که میخواستند با

از لحاظ تاریخی یهودیان تنها زمان کوتاهی در بخش‌هایی از فلسطین ساکن بوده و طی ۱۸ قرن ارتباط خود را به طور کامل با فلسطین قطع کرده اند و تنها احساسات دینی را بدون هیچگونه عملی برای خود

حفظ کرده و منتظر منجی‌ای به نام (ماشیح) یا (مسیا) نشسته بودند

اما یکسری از اتفاقاتی که در اروپا روی داد بر یهودیان و پروژه صهیونیسم اثر گذار بود و یهودیان را به حرکت وادار کرد

از جمله این اتفاقات جنبش پروتستان بود این جنبش بر باورهای تورات عهد قدیم استوار بود بر اساس این باورها یهودیان

اهالی از فلسطین بودند که در مناطق دیگر آواره شده بودند بسیاری از پروتستان‌ها از بازگشت یهودیان به فلسطین به عنوان هزاره خوشبختی و عامل ظهور مسیح یاد میکردند

و آن را نویدی برای خود میدانستند بنابر این پروتستان‌ها که بیشتر انگلیسی

امریکایی هلندی و آلمانی بودند صهیونیسم غیر یهودی را بر پایه اعتقادات مذهبی خود شکل دادند

از سوی دیگر قرن ۱۹ برای اروپا همراه با تحولات سیاسی زیادی بود و این تحولات باعث افزایش احساس‌های ملی‌گرایانه و میهن‌دوستانه شد و این تفکرات روی کار

آمدن دولت‌های مدرنی را در پی داشت که خواهان جدایی دین از دولت بودند نتیجه

این رویدادها بالا رفتن طبقه یهودیان در مناصب مختلف اقتصادی ،سیاسی، اجتماعی ،نظامی و... شد این رشد در حدی بود که

در جنگ جهانی اول انگلیس برای ترغیب آمریکا به حضور در این جنگ از یهودیان

